

مروری بر ماده ۱۷۲ قانون ۲۰۰۶ شرکت‌های انگلیس و امکان‌سنجی به‌کارگیری آن در حقوق ایران

حمید ابهری (نویسنده مسئول)

استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

hamid.abhary@gmail.com

سیده طاهره موسوی خطیر

دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

s.mosavikhatir02@umail.umz.ac.ir

ام‌البنین رمضان‌زاده بادلی

استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

oramzanzade@yahoo.com

قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۷ (پاییز ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده:

لزوم رعایت مصلحت‌سنجی مدیران در اداره امور شرکت یکی از مباحث مهم و در خور توجه در نظام‌های حقوقی مختلف است که در نظام حقوقی ایران مورد بررسی دقیق و جامع قرار نگرفته است. یکی از چالش‌های مهم در این خصوص دامنه رعایت این مصالح توسط مدیران است که در این پژوهش به صورت تطبیقی و به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع در حقوق انگلیس پرداخته شد. نهایتاً این نتیجه حاصل آمد که مدیران شرکت‌های تجاری باید به روشی که فکر می‌کند با حسن نیت، موفقیت شرکت را به نفع کل اعضای آن ارتقا می‌دهد، عمل کنند و برای انجام این کار در اداره شرکت علاوه بر رعایت مصلحت سهامداران و خود شرکت، رعایت مصلحت سایر اشخاص ثالث ذینفع از جمله کارمندان، مشتریان، تامین کنندگان، طلبکاران، محیط زیست و جامعه را نیز مدنظر قرار دهند. رعایت این موارد به ارتقای اهداف اجتماعی، زیست محیطی و حاکمیتی کمک و با فرهنگ شرکتی ارتباط مستقیم داشته که در نهایت منتهی به ارتقای موفقیت شرکت خواهد گردید. لذا بررسی دقیق و ضرورت تدوین و وضع قوانینی جامع در ارتباط با لزوم رعایت مصلحت‌سنجی مدیران در اداره امور شرکت و تبیین دقیق دامنه و مصادیق این مهم و تخصیص عنوانی مستقل برای آن در قانون تجارت بشدت احساس می‌گردد.

کلیدواژگان: مصلحت‌سنجی، مدیران شرکت، اشخاص ذینفع، فرهنگ شرکتی، حقوق انگلس، حقوق ایران.

مدیران اشخاصی هستند که به وسیله سهام‌داران یا شرکا برای دوره‌ی زمانی معینی جهت اداره شرکت تعیین می‌شوند.^۱ در جوامع اقتصادی نوین نقش برجسته‌ای برای مدیران^۲ در نظر گرفته شده است، نقشی که طیف وسیعی از اقدامات نظارتی، هدایتی، استراتژیک و کنترلی را دربر می‌گیرد.^۳ از اینرو به منظور انجام هرچه بهتر اقدامات موصوف بر رعایت برخی مصلحت‌ها و وظایف توسط مدیران شرکت تاکید گردیده تا آنجا که هرگونه عدم رعایت مصلحت شرکت و شرکا و فریبکاری که خلاف اصول درستکاری و صداقت باشد موجب مسئولیت ایشان خواهد گردید.^۴ در حقوق آمریکا، استرالیا و انگلیس لزوم این مصلحت‌سنجی و مصادیق این مصالح تحت عنوان وظایف عمومی مدیران بررسی و به صورت صریح مدون گردیده است.

سوال قابل تاملی که این پژوهش درصدد بررسی آن می‌باشد این است که آیا مدیران صرفاً موظف به رعایت مصالح شرکت به نفع اعضا و سهامداران آن می‌باشند یا اینکه باید نسبت به رعایت مصلحت سایر اشخاص ذینفع مرتبط نیز اقدام نمایند؟ و اگر مدیران موظف به رعایت منافع اشخاص ثالث هستند علت و فلسفه و مصادیق این الزام چیست؟ و رابطه آن با فرهنگ شرکتی چگونه است؟

در ابتدا باید توجه نمود که هدف اصلی هر شرکت سوددهی به سهامداران است اما نباید از این موضوع غافل گردید که هر شرکت بر دیگران از جمله کارمندان، مشتریان، محیط زیست و جامعه و همچنین مالکان و صاحبان آینده خود تأثیر می‌گذارد، از آنان نیز تأثیر می‌پذیرد و نحوه تأثیر آنان بر یکدیگر در موفقیت شرکت تأثیرگذار است.^۵ ضمناً یک شرکت باید به استانداردهای اخلاقی بالایی نیز متعهد باشد. این امر مستلزم انجام تجارت به شیوه‌ای است که نه تنها بصورت قانونی بلکه منصفانه، صادقانه و مسئولانه نیز عمل نماید. پایبندی اخلاقی می‌تواند شامل موضوعاتی مانند شیوه‌های کار منصفانه، مسئولیت زیست محیطی و مسئولیت اجتماعی شرکت باشد.

لذا در این پژوهش به سوال‌های فوق پاسخ داده و با توجه به اشاره این موضوع در ماده ۱۷۲^۶ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلیس به مطالعه تطبیقی آن با حقوق انگلیس پرداخته خواهد شد.^۷ بموجب این ماده مدیران باید به دنبال ایجاد فرهنگی باشد که در

^۱ - محمد رضا پاسبان و جواد نیک‌نژاد «جایگاه حقوقی مدیران در شرکت‌های سهامی»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۴، ۱۴ (۱۳۹۰): ۱۰-۱۱.

^۲ - فخرالسادات هاشمیان، عباس عباسپور، حمید رحیمیان، علی دلاور و سعید غیاثی «شناسایی عوامل مؤثر بر بهبود شایستگی مدیران»، فرایند مدیریت توسعه ۳۰، ۳ (۱۳۹۶): ۱۶۲.

^۳ - محمد رضا پاسبان و رسول فرهانی «مطالعه تطبیقی مدیران مستقل در حقوق شرکت‌های آمریکا و ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۲۶، ۱۰۲ (۱۴۰۱): ۲۰۵.

^۴ - پیمان حسینی «مفهوم مدیر عملی و مقایسه‌ی مسئولیت او با مدیر قانونی در شرکت‌های تجاری (مطالعه‌ی تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه)»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، ۲، ۱ (۱۳۹۵): ۱۴۲.

^۵ - GC100, "GUIDANCE ON DIRECTORS' DUTIES SECTION 172 AND STAKEHOLDER CONSIDERATIONS" OCTOBER 2018, accessed 2024/7/17, 5.

^۶ - این وظیفه بحث‌برانگیزترین و چالش‌برانگیزترین وظیفه‌ای است که در قانون شرکت‌ها معرفی شده است (John Lowry "THE DUTY OF LOYALTY OF COMPANY DIRECTORS: BRIDGING THE ACCOUNTABILITY GAP THROUGH EFFICIENT DISCLOSURE", the Cambridge Law Journal 68, 3(2009):613-614 & Andrew Keay "The Duty to Promote the Success of the Company: Is it Fit for Purpose?", University of Leeds School of Law, Centre for Business Law and Practice Working Paper, August 20, 2010: 5, Available at <https://ssrn.com/abstract=1662411> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1662411>, (22 Aug 2010)؛ زیرا تردیدهایی در مورد چگونگی

تفسیر و یا اعمال این موضوع وجود داشت (Nicholas Grier, "Enlightened shareholder value: did directors deliver?", Juridical Review 2014,) (2014): 95-96 & Heer Nanavati, "A Study of Section 172 (1) of the Companies Act 2006: Evaluating the Factors to Promote

پیگیری موفقیت خود به نفع سهامداران، با اهداف شرکت در ارتباط با سایر ذینفعان خود، اعم از کارکنان، جوامع محلی، محیط زیست یا سایرین که تحت تأثیر شرایط شرکت قرار دارند، سازگار باشد. این تغییر تدریجی منجر به ترویج فرهنگ گسترده‌تر و دور شدن از تمرکز صرف بر هدف حداکثرسازی سود برای سهامداران می‌گردد. بنابراین شرکت‌ها باید طیف وسیعی از افراد ذی‌نفع را هنگام تصمیم‌گیری در نظر بگیرند، با این حال، مهم است که بدانیم این وظیفه مستقل نیست، بلکه با سایر وظایف، مانند وظیفه عمل در چارچوب اختیارات، مراقبت معقول، مهارت و دقت و اعمال قضاوت مستقل در هم آمیخته است و مدیران باید اطمینان حاصل کنند که هنگام ایفای نقش خود در شرکت از این موضوع آگاه هستند.

لذا در کشوری مانند ایران که تلاش می‌کند قوانین شرکتی خود را برای مطابقت با استانداردهای بین‌المللی بروز کند، مهم است که از تجربیات سایر کشورها در این زمینه بهره‌مند گردد. بر همین اساس در این پژوهش بصورت تطبیقی با حقوق انگلیس، ضمن تأکید بر لزوم رعایت مصلحت‌سنجی مدیران در اداره امور شرکت به تبیین دامنه این مهم پرداخته شده و در نهایت به ارتباط آن با فرهنگ شرکتی اشاره خواهد گردید.

۱. لزوم رعایت مصلحت‌سنجی مدیران در اداره امور شرکت

مدیران یکی از ارکان مهم شرکت بوده^۸ که با بکارگیری مؤثر، انتخاب، انتصاب، پرورش و توسعه مدیران، بهره‌وری و تعالی شرکت را تضمین می‌نماید.^۹ عصر حاضر را عصر مدیریت نامیده اند چرا که هر تصمیم مدیر می‌تواند طی یک روند سلسله‌وار دیر یا زود سرنوشت تمامی نهادهای جامعه را دستخوش تغییر نماید.^{۱۰}

یکی از زمینه‌های مورد توجه در حقوق انگلستان توجه به لزوم رعایت مصالح و منافع توسط مدیران در اداره امور شرکت و تدوین این مصالح تحت عنوان وظایف عمومی^{۱۱} در قانون شرکت‌های انگلیس مصوب ۲۰۰۶^{۱۲} با هدف شفاف سازی و ساده سازی وظایف مدیران^{۱۴} است.^{۱۵} بموجب این قانون هرگونه عدم رعایت مصلحت شرکت و شرکا و فریبکاری و یا عدم مهارت و دقت و حتی کوشش معقول مدیر شرکت که خلاف اصول درستکاری و صداقت باشد موجب مسئولیت ایشان خواهد گردید.^{۱۶} اعمال

Success of the Company", May 26, 2023: 6 Available at
- SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4520212> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4520212> (2 Aug 2023)

های انگلیس نیز از این وظیفه نشأت می‌گیرند.

^۷ - در حقوق آمریکا ایالت‌های متعددی که شروع آن از سال ۱۹۸۳ از ایالت پنسیلوانیا بوده است؛ مشابه همین قاعده را وضع نموده و توجه به منافع سایر اشخاص ذینفع را مدنظر قرار داده‌اند، (Derek French. Mayson, French & Ryan on Company Law, (Oxford: Oxford University Press, 2021), 472.

^۸ - حسینی، پیشین، ۱۳۹.

^۹ - هاشمیان، عباسپور، رحیمیان، دلاور و غیائی، پیشین، ۱۶۲.

^{۱۰} - سید احمد هاشمی و مهرداد همراهی «مسئولیت‌پذیری اجتماعی»، (مقاله ارائه شده در سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌ها نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ترکیه، (استانبول)، ۲۵ اسفند ۱۳۹۵).

^{۱۱} - The general duties

^{۱۲} - Companies Act 2006

^{۱۳} - <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/contents>

^{۱۴} - Jonathan Mukwiri, "Directors' Duties in Takeover Bids and English Company Law", International Company and Commercial Law Review 19, 9(2008): 281-289.

^{۱۵} - Alistair Alcock "An accidental change to directors' duties?" Company Lawyer 30 (2009): 1. accessed Feb 25, 2010. <https://salford-repository.worktribe.com/output/1463974/an-accidental-change-to-directors-duties>

^{۱۶} - حسینی، پیشین، ۱۴۶.

برخلاف منافع شرکت و به عبارتی برخلاف مصلحت شرکت در گونه‌های مختلفی ظاهر می‌شود.^{۱۷} بصورت کلی می‌توان گفت مدیران جهت رعایت مصلحت در اداره شرکت باید با صداقت^{۱۸}، وفاداری^{۱۹} و امانتداری همراه حسن نیت^{۲۰} اقدام نموده و همچنین در انجام وظایف خویش و جهت ارتقای موفقیت شرکت مهارت^{۲۱} داشته و با مراقبت^{۲۲} و کوشش^{۲۳} معقول نسبت به انجام وظایف و تکالیف خویش اهتمام ورزد و و از تضاد منافع و سوءاستفاده از موقعیت و اطلاعات شرکت خودداری نمایند.^{۲۴}

بنابراین تردیدی در تکلیف مدیران جهت رعایت مصلحت‌سنجی توسط مدیران در اداره امور شرکت نیست اما در حقوق ایران برخلاف حقوق انگلیس توجه به این مهم و تبیین دقیق این موضوع و مصادیق آن و وضع مقرراتی مدون در این خصوص مغفول مانده است و صرفاً می‌توان مصادیق این مصالح را از قوانین مختلف مانند قانون مدنی^{۲۵} و یا قانون مسئولیت مدنی استنباط و استخراج نمود.^{۲۶}

۲. دامنه صلاحیت مدیران در اداره امور شرکت

در این قسمت درصدد پاسخ به این پرسش هستیم که شرکت‌ها باید در راستای منافع چه کسانی مدیریت و اداره شوند و چه کسانی باید از فعالیت شرکت‌ها بهره‌مند شوند؟

در این خصوص در حقوق انگلیس تا پیش از تصویب قانون شرکت‌ها ۲۰۰۶، تئوری تقدم سهامداران^{۲۷} رایج بود^{۲۸}. این نظریه به این معنی است که حوزه اصلی فعالیت‌های مدیران با تعهد به سهامداران تعریف می‌شود، به طوری که همه مسئولیت‌های دیگر

^{۱۷}-امیرحسین مهدیان، اکبر فلاح و علی فقیهی «بررسی فقهی و کالتی بودن جایگاه مدیران در شرکت‌های سهامی خاص (قانون تجارت ایران)»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه‌نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، شماره ویژه (ویژه نامه جستار های نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰): ۲۷۱. doi: 10.22034/ejs.2022.332351.1184

^{۱۸}-honesty

^{۱۹}-loyalty

^{۲۰}-fiduciary duties of good faith

^{۲۱}-skills

^{۲۲}-care

^{۲۳}-diligence

^{۲۴}-Md. Suhel Miah, "Critically Examine the Seven General Duties of the Directors Under Company Act 2006", November 10, 2014: 1-14, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2602321> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2602321> (5 May 2015) & Jingchen Zhao, Corporate Social Responsibility in Contemporary China, (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2014), 141.

^{۲۵}-در ماده ۶۶۷ قانون مدنی به لزوم رعایت مصالح موکل توسط وکیل اشاره شده است. همین ماده را به تکلیف مدیران نیز تعمیم داده اند(مهدیان، فلاح و فقیهی، پیشین، ۲۷۱).

^{۲۶}-درخصوص مراجعه به قانون مدنی در زمان خلاء قانونی در حوزه تجاری باید اذعان داشت که قانون مدنی به منزله قانون مادر یا قانون عام، در صورت سکوت یا اجمال قانون تجارت و یا قوانین دیگر در روابط تجاری حکمفرماست. این نکته را به عنوان یکی از اصول کلی پذیرفته شده در حقوق ایران باید پذیرفت (ریبا اسکینی، حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰)، ۲۴-۲۵). نکته حائز اهمیت دیگر، امکان مراجعه به فقه در صورت خلاء قانونی در حوزه تجاری است. در این مورد مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در صورت نقص و سکوت قانون، قاضی مکلف است با استناد به فقه و منابع معتبر اسلامی نقص قانون را رفع و به پرونده رسیدگی کند. اما رجوع به فقه در مسائل مربوط به تجار و حقوق شرکت‌ها که در دنیای معاصر پای گرفته‌اند و برگرفته از حقوق کشورهای خارجی هستند، به لحاظ روش‌شناختی با تریدهای اساسی و جدی روبرو است چراکه نمی‌توان مصادیق و احکام مربوط به آن را در فقه یافت (جهت بررسی دقیق این مهم رجوع شود به: علیرضا یزدانیان «قلمرو فقه در حقوق موضوعه ایران»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ، ۲(۱۳۸۹)، ۸۹).

^{۲۷}-Shareholders' Primacy

^{۲۸}-Mark J. Loewenstein & Jay Geyer, "Shareholder Primacy and the Moral Obligations of Directors", *FORDHAM JOURNAL OF CORPORATE & FINANCIAL LAW* 26, 1(2021): 111.

در مقابل این صلاحیت، فرعی یا مشتق محسوب می‌گردند.^{۳۰} این رویکرد بر این واقعیت استوار است که سهامداران مالک شرکت و مدیران شرکت صرفاً نماینده سهامداران هستند.^{۳۱} طرفداران این دیدگاه معتقداند که شرکت فقط برای کسب سود سهامدارانش وجود دارد و افزایش سود سهامداران ولو در کوتاه‌مدت بر دیگر منافع اولویت دارد.^{۳۲} اثرات منفی این دیدگاه منجر به اتخاذ رویکرد کثرت‌گرایانه^{۳۳} گردید. رویکرد کثرت‌گرایانه، شرکت را به عنوان یک نهاد اجتماعی در نظر می‌گیرد که مسئولیت همه اشخاص ذینفع، از جمله کارکنان، طلبکاران و جامعه را به عنوان یک کل بر عهده می‌گیرد و تنها در راستای منافع سهامداران عمل نمی‌کند. در این دیدگاه مدیران باید در تصمیم‌گیری‌های خویش به منافع سایر اشخاص ذینفع به اندازه منافع سهامداران توجه نمایند. نگرانی اصلی در این دیدگاه، ایجاد توازن میان منافع مختلف و جلوگیری از ارجحیت هر یک بر دیگری است.^{۳۴} این دیدگاه نیز در عمل با مشکلات و معایب متعددی روبرو گردید. از جمله مشکلات رویکرد کثرت‌گرا این است که مدیران باید منافع همه ذینفعان را به طور مساوی در نظر بگیرند، که منجر به سردرگمی مدیران گردیده و روند تصمیم‌گیری را کند و تضعیف می‌کند. تصمیمات نیز به دلیل ماهیت تضاد منافع ذینفعان ضعیف خواهند بود.^{۳۵} در نهایت ایرادات این دیدگاه منجر گردید تا نظریه ارزش‌گذاری آگاهانه سهام‌داران^{۳۶} براساس ماده ۱۷۲ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶^{۳۷} به عنوان راه‌حلی میانی پذیرفته و به عنوان مبنای حاکمیت شرکتی گنجانده شد.^{۳۹} درواقع هدف از حاکمیت شرکتی^{۴۰} «تطبیق تا حد امکان منافع فرد، شرکت و جامعه»

^{۲۹} - این دیدگاه بموجب دعوای داج علیه شرکت فورد موتورز مطرح گردید (Dodge v Ford Motors co, 170 N.W 668, Mich 1919) براساس این دیدگاه، نقش مدیران همانند نقش یک امین در تراست بوده و به موجب آن امین باید اموال تحت تراست را برای اشخاص ذینفع مدیریت نماید (Robert J. Rhee, "A Legal Theory of Shareholder Primacy", University of Florida Levin College of Law 102, (2017):7-8). در دعوای معروف دیگری همانند Gaiman v National Association for Mental Health [1971] Ch 317 و (Hutton v West Cork Railway Company (1883) LR 23 Ch D 654) و (Brady v Brady) و (Greenhalgh v Arderne Cinemas [1951] Ch 286, 291 (Evershed MR)) و (1987) 3 BCC 535 (CA) نیز بر این دیدگاه تأکید گردیده است.

³⁰ -Jonathan Mukwiri, "Myth of Shareholder Primacy in English Law", European Business Law Review 24, 2(2013): 217.

³¹ -Mukwiri, op. cit, 217

³² -Lenore M. Palladino, "Ending Shareholder Primacy in Corporate Governance", February 8, 2019, Roosevelt Institute Working Paper, (FEBRUARY 13, 2019)

³³ -The pluralist approach

³⁴ -David Cabrelli, "REFORM OF THE LAW OF DIRECTORS' DUTIES IN UK COMPANY LAW". Lecturer in Commercial Law, PRESENTATION FOR UNIVERSITÀ BOCCONI, The Edinburgh Law School, (2008), 11.

³⁵ - Cabrelli, op. cit, 11.

³⁶ -enlightened shareholder value principle (ESV)

³⁷ - شاید به نظر برسد که ماده ۱۷۲ وظیفه‌ای جدید بر مدیران در نظر گرفته است اما اینگونه نیست و در رویه قضایی نشانه‌هایی وجود دارد که مدیران در Aberdeen Railway Co v Blaikie Brothers و Scottish Co-operative Wholesale Society Ltd v Meyer موفقیت تجارت شرکت بوده اند. این مطمئناً Keay, op. cit.7 & Shelley Marshall & Ian Ramsay, "Stakeholders & Director's Duties : Law, Theory & Evidence", UNSW Law Journal 35, 1(2012): 296.)

³⁸ -Grier, op. cit, 95.

^{۳۹} -خاطر نشان می‌گردد که علی‌رغم اینکه فهرست گسترده‌ای از اصول ESV در ماده ۱۷۲ گنجانده شده، اما این ماده چیزی جز بیان صریح آن چیزی که مدتها در کامن‌لا مستتر بوده نمی‌باشد (RICHARD WILLIAMS, "ENLIGHTENED SHAREHOLDER VALUE IN UK COMPANY LAW", UNSW Law Journal 35, 1(2012): 363).

^{۴۰} -هیچ تعریف واحد جهانی برای حاکمیت شرکتی وجود ندارد. بصورت کلی همانطور که به‌طور کلاسیک توسط گزارش کادبری در سال ۱۹۹۲ بیان شده است، می‌توان حاکمیت شرکتی را به روشی که شرکت‌ها از طریق آن هدایت و کنترل می‌شوند تعریف نمود (Kadidja Banda, "The Enhancement of Corporate Governance in Zambia through Company Law Reform"; (Bachelor of Laws (LLB), University of Zambia, 2013), 2. به عبارت دیگر، چگونگی ساختار داخلی شرکت و نحوه سازماندهی روابط بین هیئت‌مدیره، مدیریت و سهامداران است (Yuan Zhao, (2010). "Corporate Governance and Board Independence", (Doctor of Philosophy thesis, University of Strathclyde, 2010), 1) مسائل حاکمیت شرکتی بحث می‌گردد، معمولاً بر نقشی که مدیران در اداره شرکت ایفا می‌کنند و منافعی که باید در تصمیم‌گیری شرکت در نظر گرفته شود،

است. به طور خاص، مأموریت آن حفاظت موثر از منافع سهامداران و به حداکثر رساندن بازده بلندمدت سرمایه‌گذاری سهامداران و افزایش اعتماد سرمایه‌گذار از طریق تسهیل همکاری بین سهامداران، مدیریت و طلبکاران و حفاظت از منافع سهامداران، دستیابی به نتایج برد-برد برای همه ذینفعان شرکت است.^{۴۱} بر اساس این ماده مدیر یک شرکت باید با حسن نیت به روشی عمل کند که فکر می‌کند به احتمال زیاد موفقیت شرکت را به نفع اعضای آن به عنوان یک کل ارتقا می‌دهد. از مهم‌ترین استدلال‌های طرفداران این دیدگاه، تشویق به پویایی و بهبود کارایی اقتصادی است. این دیدگاه بهترین محیط را برای خلق ثروت ایجاد می‌کند. با تولید ثروت، شرکت‌ها نه تنها موجب کسب سود برای سهامداران می‌گردند، بلکه تعدادی از اهداف اجتماعی دیگر را نیز برآورده می‌کنند (John Quinn (2015). "The Corporate Objective: Reinterpreting (Directors' Duties", PhD School of Law and Government, Dublin City University, 2015), 22).

در واقع همانگونه که میلتون فریدمن بیان نمود، حاکمیت شرکتی مدرن به دنبال اطمینان از شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت-پذیری شرکت‌ها نه تنها در قبال سهامداران، بلکه در قبال سایر اشخاص ذی‌نفع نیز است.^{۴۲} برای به دست آوردن بینشی در مورد معنای این ماده، آموزنده است که مذاکرات CLR را در مورد اینکه چگونه وظیفه وفاداری باید به بهترین شکل تدوین شود، در نظر بگیریم.^{۴۳} بموجب این دیدگاه موفقیت شرکت مستلزم داشتن دیدگاهی متعادل و مناسب برای شرکت در کوتاه مدت و بلند مدت است و بر لزوم حفظ روابط مؤثر و مستمر با ذینفعان تأکید می‌کند. تأثیر عملیات شرکت بر جامعه و محیط‌زیست باید با حفظ منافع سهامداران به عنوان هدف نهایی شرکت در نظر گرفته شود.^{۴۴}

در حقوق ایران ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت و ماده ۱۰۵ ق.ت، دیدگاه حداکثرسازی سود را به ذهن متبادر می‌کند چراکه در این مواد صرفاً به رعایت صلاح و غبطه شرکت و عدم تعدی و تفریط در روابط با شرکت و سهامداران اشاره گردیده است. البته شرکت‌ها در برخی موارد (مثل ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت) حمایت از منافع ذینفعان غیرسهامدار را مطمح نظر قرار داده است. علاوه بر این از برخی قوانین دیگر نیز می‌توان استنباط نمود که توجه به منافع کلیه اشخاص ذینفع مرتبط و ارتقای موفقیت شرکت بصورت کلی مدنظر قانونگذار بوده است. به عنوان مثال مکانیزم دعوی مشتق^{۴۵} مندرج در ماده ۲۷۳ ل.ا.ق.ت در راستای حمایت از تمام ذینفعان شرکت است نه صرفاً حمایت از منافع سهامداران. همچنین بموجب ماده ۱۴۴ قانون تجارت ۱۳۱۱، علت بنیادین در منع دخالت شرکای غیرضامن در مدیریت شرکت مختلط آن است که شرکای ضامن مسئولیت تضامنی و نامحدود دارند اما شرکای با مسئولیت محدود ممکن است در امر اداره شرکت غبطه شرکت را رعایت ننموده و موجبات تحمیل بار مسئولیت بر شرکای ضامن و همه گروه‌های ذینفع در بقا و ادامه فعالیت شرکت و از جمله کل جامعه را فراهم آورند.^{۴۶} علاوه بر این، طبق ماده ۲ و بند ۲ و ۳

تأکید می‌گردد (Linda Muswaka "Shielding Directors against Liability Imputations: The Business Judgment Rule and Good Corporate Governance, SPECJU 2, The Southern African Legal Information Institute, 2013, 32).

⁴¹ -Ziyi Wang, "The role of independent directors in ensuring good corporate governance", Science of Law Journal, Clausius Scientific Press, Canada 2, 11(2023): 41.

⁴²-Nanavati, op. cit, 6.

⁴³-Cabrelli, op. cit, 56.

⁴⁴-Salomon v Salomon & Co Ltd [1897] AC 22.

⁴⁵-Grier, op. cit, 95.

^{۴۶} -محمدعیسی تفرشی؛ حبیب رضانی‌آکردی و حمیدرضا عباسی‌منش «ارتقای موفقیت شرکت؛ وظیفه‌ای برای مدیران، مطالعه در حقوق انگلیس و ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۱۹، ۴(۱۳۹۴)، ۱۰۲.

^{۴۷}-مصطفی کوشکی و حسن بادینی «تحلیلی پیرامون مبانی نظریه سهامداران به مثابه مالکین شرکت تجاری»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق اقتصادی و تجاری، ۱، ۲(۱۴۰۲)، ۵۵.

ماده ۳ دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۴۰۱ نقض سایر ذینفعان و حمایت از آن‌ها پرننگ‌تر گردیده است. البته با دقت در مقررات قانونی و رویه قضایی حقوقی ایران، می‌توان گفت که همچنان سهامداران از برتری کاملی نسبت به سایر ذینفعان برخوردارند^{۴۹}. بنابراین علی‌رغم اصلاحاتی که بموجب قوانین فوق صورت پذیرفت، اما در عمل همچنان موضوع اصلی در حقوق تجارت سهامداران و شرکا و منافع ایشان در شرکت است.

شایان ذکر است به عقیده برخی از حقوقدانان بهتر است حمایت مستقیم از منافع ذینفعان غیرسهامدار را به سایر قوانین مثل قانون کار، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده و ... واگذار نمائیم؛ چه آنکه از یک طرف نه در لایحه حمایت از سهامداران خرد و نه در دستورالعمل حاکمیت شرکتی سازمان بورس در رابطه با ذینفعان غیرسهامدار هیچ وظیفه خاصی بر عهده مدیران مستقل گذارده نشده است و از طرف دیگر کلی‌گویی در رابطه با وظیفه مدیران مستقل مبنی بر حمایت از حقوق ذینفعان غیرسهامدار تنها موجب سردرگمی مدیران مستقل می‌شود^{۵۰} اما به نظر می‌رسد این نظر قابل پذیرش نیست، چراکه با دیدگاه توسعه یافته امروزی که در امور اقتصادی فرهنگ، اخلاق و اجتماع و جنبه‌های مختلف تاثیر آن را بر اشخاص ثالث مدنظر قرار می‌دهد همپوشانی ندارد. علاوه بر این نمی‌توان به دلیل خلاء قانونی این مهم در قانون تجارت از بررسی و رفع این خلاء و نقطه ضعف‌های آن چشم‌پوشی کرد. لذا پیشنهاد می‌گردد در قانون تجارت ایران نیز باید به فعالیت شرکت‌های تجاری در راستای منافع جامعه و نه فقط سهامداران توجه نمود و مدیران موظفند علاوه بر منافع سهامداران به منافع گروه‌هایی که به نحوی مؤثر با شرکت در ارتباط هستند نیز توجه نمایند.

۳. عوامل تاثیرگذار بر توسعه دامنه مصادیق لزوم مصلحت‌سنجی مدیران

عوامل مختلفی بر توسعه دیدگاه رعایت مصالح اشخاص ثالث ذینفع در کنار شرکت و سهامداران تاثیرگذار هستند که در ذیل برخی از این عوامل بررسی خواهد گردید.

۳-۱. اخلاق کسب و کار^{۵۱} و نظریه ذینفعان

التزام به اخلاق کسب‌وکار^{۵۲} که تاثیر قوی بر موفقیت کسب‌وکار در دراز مدت دارد و منجر به بزرگ‌تر شدن کیک اقتصاد و ارتقاء کارایی می‌گردد^{۵۳}، از عوامل اصلی است که منجر به پیدایش نظریه ذینفعان گردید. نظریه ذینفعان از این استدلال استفاده می‌کند که علاوه بر کسانی که در شرکت مفروض سهم مالکانه دارند، بسیاری از افراد و گروه‌های دیگر نیز در آن شرکت علائقی دارند و رفتار شرکت و نحوه راهبري آن، بر علائق ایشان اثر می‌گذارد و بایستی حقوق و علائق این طیف گسترده از ذینفعان، در

^{۴۸} - همان، ۳۸-۳۹.

^{۴۹} - در این خصوص می‌توان به پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۰۲۲۷۴۰۰۴۵۴ به شماره دادنامه ۸۹۰۹۹۷۰۲۲۷۴۰۰۹۴۲ شعبه چهاردهم دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی و پرونده کلاسه ۸۸۰۹۹۸۲۱۶۱۸۰۰۲۵۴ به شماره دادنامه ۹۰۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۳۲۲ شعبه ۸۶ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران مراجعه نمود.

^{۵۰} - پاسبان و فراهانی، پیشین، ۲۱۷.

^{۵۱} - Business Ethics

^{۵۲} - التزام به اخلاق کسب و کار تاثیر قوی بر موفقیت کسب و کار در دراز مدت دارد که در نهایت منجر به بزرگ‌تر شدن کیک اقتصاد و ارتقاء کارایی می‌گردد.

^{۵۳} - مهرداد آقامحمدی و قنبر محمدی‌الیاسی «چرایی پایبندی عده‌ای از کارآفرینان به اخلاق کسب‌وکار گزارش پژوهشی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد کلاسیک (گلیزری)»، توسعه کارآفرینی، ۱۲، ۳ (۱۳۹۸)، ۳۸۲.

سیاست‌ها و رفتار شرکت دیده شود. براساس این نظریه می‌توان گفت مدیری که علائق اشخاص ثالث ذینفع را در شرکت در نظر بگیرد به مسئولیت‌های "اقتصادی، اجتماعی، قانونی و اخلاقی" خویش عمل کرده است.^{۵۴}

۳-۲. اهمیت پیامدهای احتمالی هر تصمیم در بلندمدت

اکثر مدیران منافع کوتاه‌مدت را بر منافع بلندمدت ترجیح می‌دهند. بر همین اساس گروه راهبری بازنگری قانون شرکت^{۵۵} معتقد بود که تشویق به تغییر در رفتار مدیران و توجه به پیامدهای تصمیم‌هایشان در بلندمدت ضروری است.^{۵۶} این نتیجه کاملاً مطابق با اصول OECD^{۵۸} در مورد حاکمیت شرکتی و با "منافع شرکت" است که در برخی از حوزه‌های قضایی قاره اروپا شناسایی گردید.^{۵۹} سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^{۶۰} تأیید کرده است که در نظر گرفتن منافع ذینفعان یک استاندارد اخلاقی بالا است که مطمئناً در بلندمدت معتبرتر و قابل اعتمادتر است. البته یک مشکل بالقوه در این میان به چشم می‌خورد که آن هم این است که تمایز بین منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت در برخی مواقع کار آسانی نیست.^{۶۱} بنابراین، کسب‌وکارها باید ضمن اتخاذ تصمیمات استراتژیک فراتر از فعالیت‌های روزمره، تعادلی بین منافع سهامداران یا شرکا و سایر اشخاص ذینفع حفظ کنند تا از پایداری بلندمدت شرکت اطمینان حاصل کنند.^{۶۲}

۳-۳. مطلوبیت شرکت برای حفظ شهرت به دلیل استانداردهای بالای رفتار تجاری

شهرت را می‌توان یک دارایی نامشهود ارزشمند برای شرکت‌ها دانست که به گفته وارن بافت^{۶۳} دارای ارزشی بیشتر از سرمایه مادی شرکت است^{۶۴}؛ زیرا شهرت مطلوب شرکت، سهامداران را تشویق به سرمایه‌گذاری در یک شرکت نموده، کارکنان شایسته را جذب و مشتریان را حفظ می‌کند.^{۶۵}

اخلاق و رعایت ماهیت آن به عنوان یکی از هفت اصل زندگی عمومی^{۶۶} نقش مهمی در شهرت تجاری شرکت و در نهایت پایداری و موفقیت مداوم هر شرکت ایفا می‌کند. همانگونه که پیش‌تر ذکر گردید؛ یک شرکت باید به استانداردهای اخلاقی بالایی

^{۵۴} - «مسئولیت اجتماعی مدیران»، وبلاگ دانشگاه علامه طباطبائی در زمینه رشته مدیریت، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۶.

^{۵۵} - Company Law Review Steering Group (CLRSG)

^{۵۶} - کسب‌و کار موفق، به نوبه خود به اتخاذ یک زمان‌بندی مناسب و توجه مناسب به روابط، تأثیرات و شهرت آن کسب‌وکار بستگی دارد. این اهمیت درک شده از روابط، تأثیر و شهرت با توصیه‌های تدوین شده توسط گزارش هامپل در سال ۱۹۹۸ مطابقت دارد که طبق آن مدیران می‌توانند وظایف قانونی خود را در قبال سهامداران انجام دهند و هدف خویش مبنی بر حفظ ارزش سهام در بلندمدت و با توسعه و حفظ روابط ذینفعان با موفقیت دنبال کنند (LUCA CERIONI, "THE SUCCESS OF THE COMPANY IN S. 172(1) OF THE UK COMPANIES ACT 2006: TOWARDS AN 'ENLIGHTENED DIRECTORS' PRIMACY'?", Original Law Review 40, 1(2008): 4).

^{۵۷} - ibid, 4.

^{۵۸} - اصول حاکمیت شرکتی OECD، توصیه‌های غیرالزام‌آور خطاب به همه کشورهای عضو است و هدف آن ارائه منبعی برای مراجعه قانونگذاران است (ibid, 4).

^{۵۹} - ibid, 1

^{۶۰} - OECD

^{۶۱} - Keay, op. cit, 23.

^{۶۲} - جهت تبیین این موضوع می‌توان به پرونده Dodge v. Ford Motor Co و The Financial Conduct Authority v Arch Insurance (UK) Ltd & others مراجعه نمود (NANAVATI, op. cit, 10-11).

^{۶۳} - Warren Buffet

^{۶۴} - CLAIRE A. HILL, "MARSHALLING REPUTATION TO MINIMIZE PROBLEMATIC BUSINESS CONDUCT", BOSTON UNIVERSITY LAW REVIEW 99, 3(2019). 1196.

^{۶۵} - Princewill Lekara Bayo & Ebikebena Redwell-Emotongha, "ETHICAL COMPLIANCE AND CORPORATE REPUTATION: A THEORETICAL REVIEW", International Journal of Research in Education and Sustainable Development 1, 10(2021): 91.

متعهد باشد. یک خطامشی انطباق اخلاقی کمک می‌کند تا تصمیماتی اتخاذ گردد که شهرت و اهداف تجاری شرکت را بدون از دست دادن ذینفعان و مشتریان و ضمن رعایت منافع جامعه و محیط زیست پیش ببرند و یک محیط کاری مثبت ایجاد نمایند.⁶⁷

مسئولیت اجتماعی شرکت⁶⁸ را می‌توان به عنوان راهی برای ایجاد شهرت شرکت و حفظ آن در نظر گرفت.⁶⁹ مسئولیت اجتماعی مدیران عبارت است از الزام به پاسخ‌گویی و ارضا توقعات گروه‌های ذینفع خارجی اعم از مشتریان، تامین‌کنندگان، محیط‌زیست و جامعه با حفظ منافع گروه‌های ذینفع داخلی اعم از مالکان یا سهامداران.

می‌توان گفت که این عوامل ممکن است باعث تعارض در نحوه در نظر گرفتن این عوامل در بین خود و همچنین به نفع اعضا شود. با این حال، همانگونه که در دستورالعمل OECD بیان گردیده است در صورت تضاد بین عوامل، مدیران بر اساس صلاحیت خود، از بین عوامل، اقدامی را انتخاب می‌کنند که موفقیت شرکت را به نفع کل اعضا افزایش دهد، حتی اگر آن عمل بر یک یا چند مورد از این عوامل تأثیر منفی داشته باشد.⁷⁰ در نظر گرفتن این عوامل به این معنی نیست که ملاحظات سنتی مانند سودآوری، پیامدهای مالی بر سهامداران و غیره باید نادیده گرفته شود، زیرا این موارد اولویت و اهمیت حیاتی برای ارتقای موفقیت شرکت به نفع اعضا هستند.

۳-۴. مدیریت روابط تجاری در شرکت‌ها

در محیط تجاری بسیار رقابتی امروزی، ایجاد روابط قوی با ذینفعانی مانند تامین‌کنندگان، مشتریان و شرکا برای دستیابی و توسعه حیاتی است زیرا عرضه ثابت، توزیع قابل اعتماد و وفاداری را تضمین می‌کند و منجر به صرفه‌جویی در هزینه، بهبود بهره‌وری و شهرت بهتر می‌شوند.⁷¹ روابط به عنوان "دارایی‌های نامشهود" توصیف شده‌اند و "دارایی‌های رابطه‌ای" یک عنصر اساسی از ثروت سازمانی شرکت هستند. این بدان معناست که توانایی شرکت برای ایجاد ارزش بلندمدت با تکیه بر مشتریان و تامین‌کنندگان است. مطالعات اقتصادی و روابط ادبیات بازاریابی رابطه‌مند تایید کرده است که وفاداری مشتری به برند باعث کاهش هزینه‌های بازاریابی و تثبیت حجم تولید و فروش و در نتیجه افزایش سود عملیاتی می‌شود. بنابراین می‌توان استدلال کرد که دیدگاه مدیریتی استراتژیک «نیاز به تقویت روابط تجاری شرکت با تامین‌کنندگان، مشتریان و دیگران» را به این معنا می‌خواند: «نیاز به ایجاد روابط تجاری پایدار با اشخاص ثالث ذینفع به منظور به حداکثر رساندن پیش از این، امکان شرکت برای ادامه تولید

⁶⁶ -Lord Evans of Weardale "Final report of the Standards Matter 2 review, Upholding Standards in Public Life, (Committee on Standards in Public Life, London, 2021) 18.

⁶⁷ -Princewill Lekara, op. cit, 91.

⁶⁸ -Corporate social Responsibility (CSR)

⁶⁹ -مسئولیت اجتماعی کسب‌وکار به تعهد آن به اتخاذ تصمیمات و انجام آن دسته از اقداماتی اطلاق می‌شود که از نظر اهداف و ارزش‌های جامعه مطلوب است. پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی توسط بنگاه‌های تجاری بیانگر این است که آن‌ها به آرمان‌های جامعه احترام می‌گذارند و نهایت تلاش خود را می‌کنند تا در کنار منافع سود خود در تحقق این آرزوها سهیم باشند. ضمناً، مسئولیت اجتماعی، گسترده‌تر از مسئولیت قانونی کسب و کار است چراکه مسئولیت اجتماعی شامل عنصری از اقدام داوطلبانه از سوی افراد تجاری به نفع جامعه است (Rationalised (2023-24), Social Responsibilities of Business (and Business Ethics, chapter 6, Business Environment (DDCM 102), University of Kerala: 134-135).

⁷⁰ -"OECD Due Diligence Guidance for Responsible Business Conduct", OECD, 2018:42. <https://www.oecd.org/en/topics/due-diligence-guidance-for-responsible-business-conduct.html>

⁷¹ - ibid, 11.

سود عملیاتی خود در طول زمان^{۷۳}. اصول حاکمیت شرکتی OECD و ماده ۱۷۲ قانون شرکت‌های انگلیس نیز بر آن موضوع تأکید داشته و از ذینفعان می‌خواهند با در نظر گرفتن همه منافع آن‌ها به‌طور منصفانه برخورد شود^{۷۴}.

۴. مصادیق دامنه مصلحت سنجی مدیران در اداره امور شرکت

براساس مباحث فوق بیان گردید که مدیران باید در برابر گروه‌هایی که به نحو موثری با شرکت در ارتباط هستند پاسخگو بوده و علاوه بر مصالح شرکت و سهامداران، مصالح و منافع سایر اشخاص ذینفع را نیز رعایت نماید. این گروه‌ها که اصطلاحاً به آن‌ها ذینفع گفته می‌شود، افرادی هستند که در شرکت دارای سهام نیستند، اما دارای نفع هستند.^{۷۵} هنگامی پایه‌های یک شرکت استوار می‌شود که تداوم آن به مرور اسباب رفاه جمعی همه یا اکثر ذینفعان را فراهم آورد و تنها به سودهای زودگذر که عمر شرکت را کوتاه می‌کند توجه ننمایند.^{۷۶} قابل ذکر است تعیین اینکه چه کسی یا کسانی ذینفع هستند، بستگی به تجزیه و تحلیل مشخص از موقعیت دقیقی دارد که یک شرکت در آن قرار می‌گیرد.^{۷۷} بنابراین می‌توان گفت ذینفعان طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که شرکت می‌خواهد آن‌ها را از طریق رعایت مصالحشان به خود جذب کند.^{۷۸} در واقع براساس این دیدگاه شرکت‌ها باید مسئول تأثیری باشند که بر گروه زیادی از ذینفعان می‌گذارند.^{۷۹} در حقوق انگلیس این مهم در ماده ۱۷۲ مرقوم و توجه به منافع ذینفعان داخلی و خارجی الزامی دانسته شده است اما قانون تجارت ایران نسبت به این موضوع ساکت است.^{۸۰} بنابراین دامنه اشخاص ذینفع محدود نبوده و برای هر شرکتی می‌تواند متفاوت باشد. اما موارد اصلی که به عنوان ذینفعان ذکر شده اند را می‌توان به دو دسته ذینفعان درونی و بیرونی تقسیم نمود که در ذیل برخی از مصادیق این تکلیف مشروحا و مستدلاً بررسی می‌گردد.

۴-۱. ذینفعان درونی

ذینفعان درونی ذینفعانی هستند که در دایره ی ارتباطی نزدیکتری با شرکت قرار دارند و مستقیماً در امر تولید و سودآوری نقش دارند.^{۸۱} که در ذیل برخی از مهم‌ترین این ذینفعان بررسی خواهند گردید.

۴-۱-۱. اعضای شرکت و لزوم رفتار منصفانه میان ایشان

^{۷۳} -بعنوان مثال در پرونده Tesco Plc Accounting Scandal مشخص شد که تسکو با دستکاری در پرداخت‌های تامین‌کنندگان در سال ۲۰۱۴، سود خود را ۳۲۶ میلیون پوند افزایش داد. این نه تنها اصول برخورد منصفانه با تامین‌کنندگان را نقض می‌کند، بلکه به روابط تجاری تسکو با تامین‌کنندگان و مشتریان و سهامداران آن آسیب رساند و ارزش سهام آنها در سال ۲۰۱۴ در نتیجه رسوایی ۵۰٪ کاهش یافت. این امر بر اهمیت حفظ روابط تجاری مثبت با ذینفعان تأکید می‌کند.

⁷³ -CERIONI, op. cit, 6-7.

⁷⁴ -OECD, "G20/OECD Principles of Corporate Governance", OECD Publishing, Paris, 2015: 34-35.

^{۷۵} -کوشکی و بادینی، پیشین، ۵۳.

^{۷۶} -محمد نوروزی «تأملی بر رابطه شرکت‌های تجاری و ذینفعان آن‌ها»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۱، ۸۲ (۱۳۹۷)، ۳۶۱.

⁷⁷ -Maria Bonnafous-Boucher & Jacob Dahl Rendtorff, "Stakeholder Theory A Model for Strategic Management", Cham: Springer Science+Business Media. Springer Briefs in Ethics, (2016), 2.

^{۷۸} -نوروزی، پیشین، ۳۳۵.

^{۷۹} -مریم منصور پور اسفند آبادی «حاکمیت شرکتی و نقش آن در بهبود کارایی و اثر بخشی شرکت‌ها»، فصلنامه علمی نگرش‌های نوین بازرگانی، ۱، ۶ (۱۳۹۹)، ۱۲۱.

^{۸۰} -امین جعفری «وضعیت نظام حاکمیت شرکتی در حقوق ایران و ضرورت بازنگری لایحه قانون تجارت جدید»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۶ (۱۳۹۳)، ۲۰۰.

^{۸۱} -نوروزی، پیشین، ۳۳۳.

از مصادیق مهم این تکلیف رفتار برابر و با احترام با همه کارمندان و ارائه مزایا و امکانات یکسان بدون توجه به نژاد، پیشینه قومی یا سایر خصوصیات و عدم ارجحیت یک سهامدار یا گروهی از سهامداران نسبت به بقیه است، به‌ویژه اگر برخی از سهامداران ضعیف‌تر از سایرین باشند که در انتصاب مدیران شرکت نداشته‌اند.^{۸۲} دستورالعمل ICSA در مورد وظایف عمومی مدیران تصریح می‌کند که مدیران باید اطمینان حاصل کنند که سهامداران به دلیل ساختار معاملات شرکتی یا مسائل مربوط به سهام، یا به دلیل فقدان اطلاعات آسیب نمی‌بینند. یافتن یک سیستم مفید برای دستیابی به برابری بین آنها نیز مهم است.

۴-۱-۲. کارکنان^{۸۳} شرکت و لزوم رعایت مصالح ایشان

در دهه‌های اخیر، مشارکت کارکنان به عنوان یک منبع ارزشمند برای افزایش مزیت رقابتی یک شرکت در نظر گرفته شده است. اصول حاکمیت شرکتی^{۸۴} بیان می‌کند که باید مکانیسم‌هایی برای ارتقا و افزایش عملکرد مشارکت کارکنان در چارچوب حاکمیت شرکتی از طریق آموزش، ارتباطات، پاداش و غیره مجاز باشد^{۸۵}؛ مانند نمایندگی کارکنان در هیئت مدیره و در فرآیندهای حاکمیتی و مکانیسم‌های تقسیم سود، تعهدات بازنشستگی و سایر موارد مرتبط با افزایش عملکرد^{۸۶}.

از آنجایی که کسب و کار زمانی بهتر پیش می‌رود که افراد درون یک شرکت روابط نزدیکی داشته باشند و به یکدیگر اعتماد داشته باشند، اما ایجاد چنین وابستگی‌های متقابل مثبتی که به عنوان "سرمایه اجتماعی" تعریف شده است، در زمان‌های پر نوسان کنونی دشوار است. به همین دلیل شرکت باید با ایجاد حس مشترک به کارکنان از طریق ارتباطات استراتژیک خوب و رهبری الهام‌بخش، یک محیط کاری مناسب ایجاد کند^{۸۸}.

روابط نامطلوب کارکنان به دلیل وابستگی متقابل بین کار آن‌ها و خروجی نهایی ارائه شده توسط شرکت، بر کل سازمان تأثیر منفی می‌گذارد بلعکس روابط مطلوب کارکنان به کاهش جابجایی و تشویق تعهد طولانی مدت و مشارکتی به سازمان کمک می‌کند^{۸۹} که در نتیجه بهبود عملکرد شخصی کارکنان، عملکرد شرکت نیز بهبود می‌یابد.^{۹۰}

بنابراین از دیدگاه مدیریت استراتژیک، "منافع کارکنان شرکت" را می‌توان به بدین صورت تفسیر کرد: "منافع کارکنان شرکت برای در نظر گرفتن شرکت به عنوان سازمان مناسبی که امکان تحقق آرزوهای آن‌ها را فراهم می‌کند، و بدین وسیله می‌توان یک رابطه دوجانبه سودمند و در نتیجه طولانی مدت ایجاد کرد^{۹۱} که پتانسیل حرفه‌ای مدیران را توسعه می‌دهد. با این حال باید توجه نمود که موارد فوق به معنای اعطای مصونیت کامل به کارکنان و صرف نظر نمودن از هدف نهایی شرکت که معمولاً منفعت اعضا به عنوان یک کل است، نمی‌باشد.

⁸²-Nanavati, op. cit, 15-16.

⁸³-employee

⁸⁴-Principles of Corporate Governance(OECD)

^{۸۵} -اصول حاکمیت شرکتی به سیاستگذاران کمک می‌کند تا چارچوب قانونی، نظارتی و نهادی حاکمیت شرکتی را با در نظر گرفتن حمایت از کارایی اقتصادی، رشد پایدار وثبات مالی ارزیابی و بهبودبخشند(3, ibid).

⁸⁶ -Zining Zhu, Charle Ramendran S.P.R, & Lai Soon Wong. "Impact of Employee Engagement on Company Performance: The Four-Box Business Model as a Moderator: Perspectives from the COVID-19 Pandemic". Atlantis Press, Proceedings of the 10th International Conference on Business, Accounting, Finance and Economics (BAFE 2022), Advances in Economics, Business and Management Research (2023): 194, accessed 4 February 2023, DOI 10.2991/978-2-494069-99-2_17

⁸⁷ -OECD, op. cit, 35.

⁸⁸ -Nanavati, op. cit, 10-11.

⁸⁹ -CERIONI, op. cit, 4-5.

⁹⁰ -Zining Zhu, Ramendran S.P.R, & Soon Wong, op. cit, 194.

⁹¹ -ibidem

با توجه به درک اهمیت این موضوع در کشور انگلیس، این اختیار به مدیران اعطاء گردیده است که مقرراتی را برای کارمندان در رابطه با توقف یا انتقال کسب و کار شرکت تحت ماده ۲۴۷ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ تنظیم کنند.^{۹۲} ماده ۱۷۲ نیز مدیران را ملزم می‌کند که به منافع کارکنان توجه داشته باشند^{۹۳}، الزامی که به سال ۱۹۸۰ بازمی‌گردد و از ماده ۳۰۹ قانون شرکت‌های ۱۹۸۵ سرچشمه گرفته است.^{۹۴} این در حالی است که قانون تجارت ایران در این زمینه دارای نقض و خلاء جدی است و هیچ گونه اشاره‌ای به رعایت منافع کارمندان در راستای منافع سهامداران یا شرکا نشده است.

۴-۱-۳. طلبکاران شرکت و لزوم رعایت مصالح ایشان

همانگونه که در آراء و رویه‌های قضایی نظام‌های حقوقی مختلف همانند پرونده Walker v Wimborne (1976) 137 CLR 1 و 627, 634 [1980] 1 WLR^{۹۵} Lonrho Ltd v Shell Petroleum Co Ltd (No 1) مشاهده می‌گردد؛ دادگاه‌های حوزه‌های قضایی مختلف به این دیدگاه رسیده‌اند که وقتی شرکتی قادر به انجام تعهدات خود در قبال طلبکاران نیست یا به آن وضعیت نزدیک است، مدیران باید منافع و مصلحت طلبکاران را در تصمیم‌گیری درباره نحوه مدیریت شرکت در نظر بگیرند.^{۹۶} بر همین اساس بند ۳ ماده ۱۷۲ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ مقرر می‌دارد که مدیران باید در شرایط خاص به منافع طلبکاران شرکت توجه کنند یا به آن عمل کنند. اصطلاح «شرایط معین» در این ماده تعریف نشده است^{۹۸}، اما می‌توان این ابهام را با اعمال مفاد قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ برطرف نمود و شرایط معین را به ورشکستگی شرکت یا شرکتی که در معرض خطر ورشکستگی قرار دارد تعبیر نمود.^{۹۹}

بر اساس ماده ۲۱۴^{۱۰۰} و ۲۴۶ قانون ورشکستگی ۱۹۸۶، دادگاه می‌تواند بنا به درخواست مدیر تصفیه یا مدیر، اعلام کند که مدیر در صورت عدم توجه به منافع طلبکاران در زمانی که شرکت ورشکسته شده یا مدیر از این موضوع آگاه بوده یا باید به این نتیجه می‌رسید که هیچ دورنمای معقولی وجود ندارد که شرکت از وقوع ورشکستگی اجتناب نماید مسئول است.^{۱۰۱} قانون

^{۹۲} - درخصوص نمونه عملی این موضوع به پرونده Hampson v Price's Patent Candle Co مراجعه گردد.

^{۹۳} - بسیاری از حقوقدانان استدلال می‌کنند که این وظیفه همان کاری است که مدیران برای سال‌های متمادی انجام داده‌اند، حتی زمانی که تحت رویکرد ارزش سهامداران به حاکمیت شرکت عمل می‌نمودند (Keay, op. cit, 8).

^{۹۴} - French, op. cit, 473.

^{۹۵} - Michaelmas Term, BTI 2014 LLC (Appellant) v Sequana SA and others (Respondents).2022:11

^{۹۶} - ibid, 16.

^{۹۷} - جامع‌ترین چارچوب وظایف مدیران در زمان پیش از ورشکستگی را می‌توان در اتحادیه اروپا یافت. بخشنامه 2019/1023 پارلمان اروپا و شورای ۲۰ ژوئن ۲۰۱۹ همه اعضای اتحادیه اروپا را ملزم می‌کند که طبق ماده ۱۹ بخشنامه کشورهای عضو اطمینان حاصل کنند که در مواردی که احتمال ورشکستگی وجود دارد، مدیران حداقل به موارد زیر توجه لازم را داشته باشند: (۱) منافع بستانکاران، صاحبان سهام و سایر ذینفعان؛ (۲) نیاز به اقداماتی برای اجتناب از ورشکستگی؛ و نیاز به اجتناب از رفتار عمدی یا به شدت سهل‌انگارانه که دوام کسب و کار را تهدید می‌کند (Aurelio GURREA-MARTINE, "Towards an optimal model of directors' duties in the zone of insolvency: An economic and comparative approach", Journal of Corporate Law Studies 21, 2(2021): 8).

^{۹۸} - Keay, op. cit, 8.

^{۹۹} - در حالی که بسیاری از حوزه‌های قضایی، از جمله استرالیا، سنگاپور، و بریتانیا، وظیفه کلی در نظر گرفتن منافع طلبکاران را اعمال می‌کنند، سایر حوزه‌های قضایی، پرداخت به طلبکاران فعلی را ممنوع می‌کنند که می‌تواند به طلبکاران آسیب برساند. البته بلعکس جلوگیری از پرداخت به طلبکاران فعلی می‌تواند به نفع سایر اشخاص ذینفع و طلبکارانی که موعد طلب آن‌ها در آینده است و همچنین جلوگیری از تبعیض مفید باشد (Aurelio GURREA-MARTINE, "Towards an optimal model of directors' duties in the zone of insolvency: An economic and comparative approach", Journal of Corporate Law Studies 21, 2(2021): 14).

^{۱۰۰} - <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1986/45/section/214>

^{۱۰۱} - Arpi Karapetian, "The Impact of Emerging Preventive Restructuring Mechanisms on Directors' Duties to Creditors in the Event of (Pre-)Insolvency in the UK and the Netherlands", European Journal of Comparative Law and Governance 9, 2 (2022): 191 & French, op. cit, 475.

ورشکستگی ۱۹۸۶ زمان دقیق لازم الاجرا شدن منافع طلبکاران را تعیین می‌کند. این قانون مقرر می‌دارد که مدیران شرکت باید منافع طلبکاران را در شروع ورشکستگی واقعی رعایت کنند. اما سوال مهم این است که شرکت تا چه حد باید به ورشکستگی نزدیک باشد؟

هیچ پاسخ روشنی در مورد زمان دقیق ورشکستگی وجود ندارد. در این خصوص چهار پاسخ ممکن است متصور گردد. اول، ممکن است زمانی باشد که شرکت واقعاً ورشکسته است. ثانیاً، ممکن است زمانی ایجاد شود که شرکت در آستانه ورشکستگی یا نزدیک شدن به ورشکستگی باشد. ثالثاً، ممکن است زمانی به وجود بیاید که یک شرکت دارای بدهی مشکوک است. چهارم، ممکن است زمانی رخ دهد که خطر واقعی ورشکستگی وجود داشته باشد.^{۱۰۳} با وجود این پاسخ‌های احتمالی، هیچ تصمیمی در هیچ مرجع انگلیسی وجود ندارد که به وضوح بر این فرض تکیه کند که وظیفه رعایت منافع طلبکاران از چیزی کمتر از ورشکستگی واقعی ناشی می‌شود.^{۱۰۴} در واقع همانطور که در پرونده West Mercia Safetywear Ltd (in liq) v Dodd قابل مشاهده است در تمام پرونده‌های انگلیسی دیگر نیز، شرکت در واقع ورشکسته بوده است.^{۱۰۵} در حقوق ایران وظیفه رعایت حقوق طلبکاران را می‌توان به دو دسته پیش از صدور حکم ورشکستگی و پس از صدور حکم ورشکستگی تقسیم نمود. پیش از صدور حکم ورشکستگی باید جهت رعایت منافع طلبکاران طبق مواد ۴۱۳ و ۴۱۴ قانون تجارت نسبت به حفظ اسناد و دفاتر و صورت حساب دارایی و اموال تاجر متوقف اقدام گردد. طبق ماده ۴۲۳ و ۴۲۴ قانون تجارت برای حفظ حقوق طلبکاران برخی معاملات تاجر بعد از توقف باطل و بلااثر و نسبت به برخی از معاملات به دیده تردید نگریسته شده و تحت شرایطی قابل فسخ اعلام گردیده است. پس از صدور حکم ورشکستگی نیز طبق ماده ۴۱۸ تاجر ورشکسته از مداخله در تمام اموال خود ممنوع است و کلیه دعاوی له و یا علیه تاجر به طرفیت مدیر تصفیه اقامه می‌شود و طلبکاران طبق ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی براساس اولویت نسبت به وصول مطالبات خویش از اموال ورشکسته اقدام می‌نمایند.^{۱۰۶}

۴-۱-۴. مشتریان شرکت و لزوم رعایت مصالح ایشان

مشتریان اشخاصی هستند که کالا، خدمات و تولیدات را می‌خرند و طبق تعریفی گسترده‌تر، از خدمات و تولیدات شرکت منتفع می‌شوند. مشتریان از طریق وفاداری و ایجاد روابط بلند مدت با شرکت، نقشی مهمی در آفرینش کیفیت و افزایش بهره‌وری ایفا می‌نمایند. وفاداری، به یک تعهد قوی برای خرید مجدد یک محصول یا خدمت برتر در آینده اطلاق می‌شود، به صورتی که همان مارک یا محصول علیرغم تأثیرات و تلاش‌های بازاریابی بالقوه رقبا خریداری گردد.^{۱۰۷} بنابراین کاملاً آشکار است که مشتریان سودآور کسانی هستند که روابط با دوام با شرکت‌ها دارند و به آن شرکت و یا برند خاص وفادار هستند. به همین دلیل

^{۱۰۲} -از نمونه‌های عملی این موضوع می‌توان به پرونده Toone v Ross [2019] EWHC 2855 (Ch) اشاره نمود که در آن مدیران به دلیل پرداخت‌های غیرقانونی به کارکنان و سهامداران در زمانی که شرکت ورشکسته بود محکوم گردیدند.

^{۱۰۳} -Michaelmas Term, op. cit, 64 & Karapetian, op. cit, 193-194.

^{۱۰۴} -Gautam Sundaresh, "In Whose InteThe Journal of Corporation Lawrests Should a Company be Run? Fiduciary Duties of Directors During Corporate Failure in India: Looking to the West for Answers", 8 MICH. BUS. & ENTREPRENEURIAL L. REV. 291, 8, 2(2019), 321.

^{۱۰۵} -Catherine, Addy QC; Rebecca Page; Foskett, Rosanna; Rowena Page (08 Apr 2020). Wrongful Trading Suspension: Does it create a false sense of security?, Maitland Chambers,3

۱۰۶-رامین نظری و سید ابراهیم موسوی «حقوق طلبکاران بر عهده ورشکسته»، فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار، ۵، ۱۷ (۱۴۰۰)، ۹۸۰-۹۹۲.

۱۰۷-حسن رشیدی و زین العابدین رحمانی «برند و تأثیر آن بر وفاداری مشتری»، مجله اقتصادی، ۹ و ۱۰ (۱۳۹۲)، ۶۸، ۶۵-۸۰.

دیدگاه توصیه شده برای نوآوری در خدمات، مشتری محور بوده و به منافی اشاره دارد که مشکلات مشتریان را حل کند، این امر به نوبه خود موجب ایجاد رضایتمندی بیشتر مشتریان خواهد شد.^{۱۰۸}

۴-۱-۵. عرضه کنندگان و لزوم رعایت مصالح ایشان

عرضه کنندگان نهادهایی هستند که کالاها و خدمات را برای نهادهای دیگر فراهم می کنند، این نهاد بخشی از زنجیره عرضه یک شرکت می باشد و ممکن است حجم عظیمی از ارزش را در بر بگیرد. این اشخاص هر کجای زنجیره اقتصادی قرار گیرند بیشک در ارتباط مستقیم با شرکت هستند و چنان بر شرکت تأثیر می گذارند و شرکت از آنها تأثیر می پذیرد که لاجرم باید مدیران شرکت جایگاه ویژه ای را در تصمیم گیری های خود برای آن ها در نظر بگیرند.^{۱۰۹}

۴-۱-۶. تأمین کنندگان و لزوم رعایت مصالح ایشان

تأمین کنندگان^{۱۱۰} اعم از تأمین کنندگان منابع مالی^{۱۱۱} یا تأمین کنندگان مواد اولیه^{۱۱۲}، اشخاصی حقیقی و حقوقی هستند که در راستای تجارت، شغل و حرفه خود به معامله اقدام می نمایند^{۱۱۳}. اصولاً این گروه، اشخاصی هستند که سرمایه ی کلانی دارند و می توانند در مقیاس بزرگی سرمایه گذاری کنند. این گروه را به واسطه ی نقش حیاتی که در شکل دهی اقتصاد دارند جزء ذینفعان اصلی ذکر کرده اند و بیان گشته؛ هیچ شرکتی نمی تواند به حیات خویش ادامه دهد مگر اینکه همواره حامیان مالی خود را در وضعیت بهتری قرار دهد^{۱۱۴}.

۴-۲. ذینفعان بیرونی

ذینفعان بیرونی گروه هایی هستند که عملیات و فعالیت شرکت نهایتاً بر روی آن ها تأثیر می گذارد اما به جهت اینکه این تأثیر به صورت بلاواسطه نمی باشد کمتر در معرض توجه هستند. در واقع این دسته ذینفعان اگرچه ارتباطی دورتر با شرکت دارند، اما از آنجایی که تحت تأثیر قدرت اجتماعی شرکت هستند، شرکت در برابر آن ها نیز مسئولیت اجتماعی دارد و موظف است که در اعمال و تصمیمات خود منافع حداقلی آن ها را نیز رعایت کند^{۱۱۵}.

^{۱۰۸}- ناصر آزاد، علی اکبر شهری مجارشین و علی میرطاهری «منافع احساسی، اجتماعی و عملکردی در حوزه خدمات نوین شرکتهای صنعتی»، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۱، ۴(۱۳۹۷)، ۴۸.

^{۱۰۹}- مهرداد صادقیان ندوشن، مهرداد «اعمال تئوری ذینفعان بر ساختار شرکتی شرکت های بیمه و بانک»، (پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۴)، ۶۴-۶۵.

^{۱۱۰}- در حقوق ایران در بند ع ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک و ماده ۴۷ آیین نامه اجرائی قانون تجارت الکترونیک از واژه تأمین کننده استفاده گردیده است. علاوه بر قوانین مزبور در قوانین دیگری نیز مشابه این عبارت به کار رفته است که مقصود و مراد همه آن ها یکی است. به عنوان مثال در ماده ۲ قانون نظام صنفی از واژه فرد صنفی یا در بند دو ماده ۱ قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو و همینطور در بند دو ماده ۱ قانون حمایت از مصرف کنندگان از اصطلاح عرضه کننده استفاده گردیده است که مقصود همگی آن ها یکسان است (غلام نبی فیضی چکاب و تقی اسدی «مفهوم حقوقی مصرف کننده و تأمین کننده کالا و خدمات در حقوق ایران و مقررات اروپایی». دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۴، ۱(۱۳۹۴)، ۷۷-۷۴).

^{۱۱۱}- Providers of credit.

^{۱۱۲}- Supplier

^{۱۱۳}- فیضی چکاب و تقی اسدی، پیشین، ۶۸-۷۸.

^{۱۱۴}- صادقیان ندوشن، پیشین، ۶۴-۶۵.

^{۱۱۵}- نوروزی، پیشین، ۳۳۳.

۴-۲-۱. جامعه و محیط زیست^{۱۱۶} و لزوم رعایت مصالح آن‌ها

مسئولیت اجتماعی شرکت^{۱۱۷} به عنوان ایده‌ای تعریف می‌شود که توسط آن شرکت‌ها اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی را با اهداف اقتصادی یکپارچه می‌کنند و مدیریت و روابط با سهامداران را در مورد شرکت‌ها شکل می‌دهند. بموجب این مسئولیت مدیران باید در تصمیمات، اعمال و استراتژی‌های شرکت‌ها به عناصر اجتماعی و زیست‌محیطی همانند تنوع زیستی، تغییرات آب و هوایی، اثرات مدیریت منابع، ارزیابی چرخه زندگی، استفاده پایدار از منابع، کاهش تغییرات آب و هوایی و پیشگیری از آلودگی توجه نمایند^{۱۱۸}. مسئولیت اجتماعی شرکت را می‌توان تعهد مستمر تجاری به رفتار و توسعه اخلاقی با بهبود در استاندارد زندگی کارکنان و در نتیجه جوامع محلی و کل جامعه دانست^{۱۱۹}.

در واقع هماهنگی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۲۰} درخصوص مفهوم توسعه پایدار و مسئولیت اجتماعی در محیط کسب و کار جهانی تاکید گردیده است رابطه تنگاتنگی میان فعالیت‌های یک شرکت با جامعه و محیط زیست وجود دارد و مدیران در انجام فعالیت‌های تجاری باید به لزوم رعایت مصلحت سنجی جامعه و محیط زیست نیز توجه نمایند. مسئولیت اجتماعی شرکت به تعبیر سازمان توسعه صنعتی ملل متحد^{۱۲۱}، فراتر از یک فعالیت بشردوستانه است و در حوزه مدیریت کسب و کار قرار می‌گیرد، که به طور ماهرانه‌ای جنبه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی و تعامل با اشخاص ذینفع رابه عنوان بخشی از فعالیت‌های عملیاتی روزانه مرتبط می‌کند^{۱۲۲}.

۵. ضمانت اجرای عدم رعایت مصالح اشخاص ذی‌نفع در حقوق انگلیس

تعهد به "رعایت مصلحت و منافع اشخاص ذینفع" در بند (۱) ماده ۱۷۲ وظیفه‌ای است که مدیران به عهده دارند، اما این بدان معنا نیست که نماینده محیط زیست یا کارمندی که تحت تأثیر تصمیم مدیران قرار گرفته است، طبق ماده ۱۷۲ (۱) بصورت صریح و یا ضمنی جایگاهی برای شکایت از مدیران دارد^{۱۲۳}. فقط شرکت، یعنی مجموعه جمعی سهامداران (یا عضوی که از طرف شرکت اقامه دعوی مشتق می‌کند) می‌تواند مجازات مدیران متخف را درخواست نماید. تهدید جدی‌تر برای مدیران این است که در صورت انحلال شرکت، مدیر تصفیه نماینده مجموعه سهامداران خواهد بود و می‌تواند با استناد به صورتجلسه‌های گذشته تصمیم‌گیری مدیران آن زمان را بررسی و در صورت لزوم نسبت به اقدام علیه مدیران شرکت به دلیل عدم توجه آن‌ها به هر یک از موارد مندرج در ماده ۱۷۲ (۱) اقدام کند. البته مدیران را می‌توان تحت عنوان عدم توجه و بر اساس ماده ۲۱۲ قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ نیز محکوم نمود. این رویکرد (که در اصل فقط شرکت می‌تواند از مدیران به دلیل عدم توجه آن‌ها به الزامات ماده ۱۷۲ (۱) شکایت نماید) بر اساس ماده ۳۰۹ قانون شرکت‌ها ۱۹۸۵ بود که از همان اصل استفاده می‌کرد. این محدودیت با آگاهی از این موضوع اتخاذ شد که تشدید قواعد این ماده به عنوان یک بازدارنده برای توسعه کارآفرینی شرکت‌ها اقدام خواهد

^{۱۱۶} - این وظیفه در حقوق انگلیس در ماده (d) 172(1) اشاره گردیده است و به (SEE) که مخفف Social, environmental and ethical consideration می‌باشد معروف است (ibidem).

^{۱۱۷} - Corporate Social Responsibility (CSR)

^{۱۱۸} - Agnieszka Kos & Bogna Gudowska, "LEGAL AND ECONOMIC ASPECTS OF CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY", International Journal of Legal Studies 6, 2(2019): 460

^{۱۱۹} - Richard HOLME & Phil WATTS, Corporate Social Responsibility: Making good business sense, (Conches-Geneva, Switzerland: World Business Council for Sustainable Development, 2000), 6.

^{۱۲۰} - Universal Declaration of Human Rights

^{۱۲۱} - United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

^{۱۲۲} - ibidem

^{۱۲۳} - Keay, op. cit, 27.

نمود و منجر می‌گردد تا تعداد کمی از مدیران به تصدی سمت مدیریت تمایل نشان دهند.^{۱۲۴} در مقابل این توجیه باید در نظر داشت سهامداران و سایر مدیران شرکت غالباً به دلایل مختلفی همانند هزینه و اثرات مخرب طرح دعوا بر ارزش سهام و یا عدم آگاهی از این موضوع تمایلی به طرح دعوا نشان نمی‌دهند و از شیوه‌های دیگری همانند فروش سهام از طریق بورس اقدام می‌نمایند.^{۱۲۵} در واقع الزامات مذکور در این ماده بیشتر نوعی ترغیب اخلاقی است نه بیشتر. این بدان معنا نیست که مفاد این ماده بی‌ارزش هستند، بلکه به این معناست که آن‌ها در عمل فاقد ضمانت‌اجرای موثر بوده و می‌توانند نادیده گرفته شوند و در واقع در عمل شکاف بین قصد قانون و واقعیت گسترده است.^{۱۲۶}

۶. ارتباط لزوم رعایت مصلحت سنجی مدیران نسبت به اشخاص ذی نفع با فرهنگ شرکتی

یکی از نقش‌های کلیدی هیئت مدیره ایجاد و نهادینه کردن فرهنگ، اخلاق و ارزش‌ها در شرکت است. این امر به جلوگیری از رفتار نادرست، اقدامات غیراخلاقی و حمایت از موفقیت بلندمدت شرکت کمک می‌کند.^{۱۲۷} شهرت کسب و کار در جلوگیری از بحران‌های مالی و ارتقای موفقیت شرکت اهمیت بسیار دارد. دارایی‌های نامشهودی مانند مالکیت معنوی و نام تجاری درصد بالایی از ارزش کل شرکت را تشکیل می‌دهند.^{۱۲۸} همین موضوع تبدیل به چالشی برای هیئت‌های مدیره می‌گردد که باید راه‌هایی برای درک و تأثیرگذاری بر عوامل مؤثر بر فرهنگ و رفتار بیابند.

با وجود گسترش وظایف مدیران علی‌الخصوص ارتباط اداره امور شرکت با اشخاص ذینفع در کنار سایر اعضا شرکت، نگرانی از افزایش تعهدات مدیران ایجاد گردید تا جایی که مارگارت هاچ اظهار داشت پیگیری منافع سهامداران و پذیرفتن مسئولیت‌های گسترده‌تر، اهداف مکمل هستند، نه متناقض. موضع اتخاذ شده این است که کسب‌وکارها زمانی که به گروه وسیع‌تری از مسائل در پیگیری موفقیت توجه داشته باشند، عملکرد بهتری دارند. معنای تجاری خوب نیز این است که مسئولیت‌های اجتماعی گسترده‌تر را در بر می‌گیرند.^{۱۲۹} در واقع به نظر او آنچه برای یک شرکت خوب است را به آنچه برای یک جامعه در کل خوب است پیوند می‌دهد.^{۱۳۰} همین موضوع منجر گردید که بسیاری از شرکت‌های بزرگ «بیانیه‌های ارزشی» یا «کدهای اخلاقی داخلی» را در تلاشی برای وادار کردن مدیران و کارکنان به رفتار مناسب با مشتریان، تأمین‌کنندگان و سایر کارکنان خود اتخاذ نمایند.^{۱۳۱}

به همین منظور در حقوق انگلیس آیین حاکمیت شرکتی جدید توسط شورای گزارشگری مالی^{۱۳۲} در ژوئیه ۲۰۱۸ منتشر شد. استانداردهای حاکمیت شرکتی^{۱۳۳} جدید منجر به موجی از اصلاحات در حاکمیت شرکتی گردید. یکی از موضوعات کلیدی این

¹²⁴ -Grier, op. cit, 97-98.

¹²⁵ -Grier, op. cit, 99.

¹²⁶ -Grier, op. cit, 103.

¹²⁷ -Simon Lowe, "As the UK's Corporate Governance Code (the Code) approaches an inflection point in its evolution, this year's research reveals some interesting findings", Corporate Governance Review(2017): 21.

¹²⁸ -طبق گزارش شورای مالی انگلیس در سال ۲۰۱۷ بیش از ۸۰ درصد از ارزش کل شرکت را دارایی‌های نامشهود تشکیل می‌دهند، در حالی که ۴۰ سال

پیش این میزان کمتر از ۲۰ درصد بود (Corporate Culture and the Role of Boards", Harvard Law School Forum on Corporate Governance, Posted by UK Financial Reporting Council, on Saturday, August 13, 2016.

<https://corpgov.law.harvard.edu/2016/08/13/corporate-culture-and-the-role-of-boards/>

¹²⁹ -Lowry, op. cit, 617-618.

¹³⁰ -Georgina Tsagas, "Section 172 of the Companies Act 2006: Desperate Times Call for Soft Law Measures", July 1, 2017: p.5,

Draft Paper for contribution: Tsagas, G, 2017, 'Section 172 of the Companies Act 2006: Desperate Times Call for Soft Law Measures' in Nina Boerger and Charlotte Villiers (eds.) Shaping the Corporate Landscape Hart Publications, Forthcoming, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2996090> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2996090>

¹³¹ -Grier, op. cit, 101.

¹³² -FRC

اصلاحات حاکمیتی تشویق هیئت مدیره شرکت‌ها به ایجاد فرهنگی است که به موجب آن تصمیمات با توجه بیشتر برای تأثیر گسترده‌تر بر سازمان فراتر از تأکید سنتی بر عملکرد مالی و اهداف استراتژیک اتخاذ می‌شود.

پیوند حیاتی بین وظیفه مدیران مندرج در ماده ۱۷۲ مبنی بر ارتقای موفقیت شرکت بصورت کل و راهنمای فرهنگ یک شرکت تولید شده توسط انجمن مشاوران عمومی و دبیران شرکت شاغل در شرکت‌های FTSE 100^{۱۳۴} پنج حوزه تمرکز را برای کمک به مدیران برای تعبیه وظیفه فوق در تصمیم‌گیری شرکت تعیین می‌کند، که همگی توسط یک موضوع کلی که همان فرهنگ شرکت است به هم مرتبط هستند. این پنج حوزه عبارتند از استراتژی، آموزش، اطلاعات، خط مشی‌ها و رویه‌ها و تعامل با ذینفعان^{۱۳۵}.

بنابراین تأثیر توجه به طیف وسیع‌تر منافع اشخاص ذینفع، بر فرهنگ یک شرکت واضح است. فرهنگ در یک زمینه شرکتی را می‌توان به‌عنوان ترکیبی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی تعریف کرد که توسط یک شرکت در عملیات و روابط با سهامداران و اشخاص ذینفع نشان داده می‌شود^{۱۳۶}. با پیروی از این حوزه‌های متمرکز، نه تنها مدیران شرکت‌ها هم به تعهدات قانونی خود عمل می‌کنند، بلکه به ایجاد فرهنگ سود برای سهامداران و سایر ذینفعان نیز کمک می‌کنند^{۱۳۷}.

فرهنگ سازمانی سالم دارایی با ارزش، منبع مزیت رقابتی و برای ایجاد و حفاظت از ارزش بلندمدت حیاتی است. این وظیفه هیئت مدیره است که باید ارزیابی کند، بسنجد و بتواند تشخیص دهد که فرهنگ درست در سراسر شرکت تعبیه شده است. مدیران نقش فعالی در تحقق این امر که در نهایت منجر به بهبود عملکرد و سود بیشتر می‌شود دارند. یکی از عوامل مهم افزایش رضایت کارکنان و همچنین افزایش وفاداری مشتری است. جذب و حفظ استعدادها یک اولویت اصلی برای شرکت‌های موفق است و تعامل با کارمندان نقشی حیاتی در این امر ایفا می‌کند. در مورد تأمین‌کنندگان، شرکت‌های هدفمند به دنبال ایجاد یک رابطه متقابل طولانی مدت مشابه معامله منصفانه هستند. در مورد مشتریان، شرکت‌های هدفمند مشتریان را نه به‌عنوان یک منبع درآمد معاملاتی، بلکه به‌عنوان یک رابطه متقابل برد-برد می‌بینند که بر تأثیر بلندمدت محصول یا خدمات یک شرکت بر رفاه مشتری متمرکز است. یک شرکت هدفمند از محیط زیست محافظت می‌کند و تضمین می‌کند که عملیات‌های پایدار باشد. هدف، فرهنگ اعتماد، تعامل و صداقت را ایجاد و حفظ می‌کند. این ارزش‌ها ذینفعان را تشویق می‌کنند تا رفتارهایی را که می‌خواهند ترویج کنند، درونی کنند.

بنابراین فرهنگ و موفقیت پیوند ناگسستنی دارند. هیئت مدیره اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در یک شرکت است. لذا یک شرکت باید دارای هیئت مدیره مؤثری باشد که متعهد به اطمینان از حفظ فرهنگ شرکت و دستیابی به هدف خود باشد. لذا اکنون زمان آن فرا رسیده است که خلاء قانونی این مهم در قانون تجارت ایران مرتفع شده و ضمن تصریح صریح به لزوم رعایت مصلحت-

^{۱۳۳} - چارچوب حاکمیت شرکتی به طور فزاینده‌ای در بازارهای جهانی امروزی که شرکت‌ها باید در یک محیط چالش برانگیز و به سرعت در حال توسعه عمل کنند، قابل توجه است. این چارچوب‌ها ممکن است به شرکت‌ها در مدیریت ریسک‌ها، ترویج نوآوری و تضمین دوام بلندمدت سازمان کمک کند (Nanavati, (op. cit, 1-2).

^{۱۳۴} GC100، انجمنی از مشاوران کل و دبیران شرکت‌های FTSE ۱۰۰ است که دستورالعمل جدیدی در مورد وظایف مدیران به ویژه وظایف مدیران یک شرکت تحت ماده ۱۷۲ قانون شرکت‌ها در سال ۲۰۰۶ برای ارتقای موفقیت شرکت ارائه داده است.

^{۱۳۵} -GC100, op. cit, 6-12 & Edward Dawes, "Directors' Duties: Guidance From GC100", October 29, 2018, Lexology (last seen at 2024/03/28).

^{۱۳۶} - "Corporate Culture and the Role of Boards", op. cit.

^{۱۳۷} - "Corporate Law Update", Macfarlanes LL, 26 October 2018, <https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=39a8609d-7927-418fQa6e8-376d4f6e5e88>

سنجی مدیران، دامنه صلاحیت آن‌ها و همچنین مصادیق این مصالح نیز صراحتاً مشخص شود و مدیران به طور کامل با نیروی کار خود و ذینفعان گسترده‌تر درگیر شوند، زیرا می‌دانند که رویکرد روشنگرانه و شفافانه^{۱۳۸} نسبت به حاکمیت شرکتی نه تنها به مدیران کمک می‌کند تا از تعهدات قانونی خود پیروی کنند، بلکه به موفقیت گسترده‌تر شرکت نیز کمک می‌کند.

نتیجه گیری

لزوم مصلحت سنجی مدیران در اداره امور شرکت بسیار حائز اهمیت است ولیکن تاکنون تلاشی جهت مدون نمودن این مهم در قانون تجارت ایران صورت نگرفته است. در نظام‌های حقوقی همانند ایالات متحده، انگلیس و استرالیا بر لزوم مصلحت-سنجی مدیران در اداره امور شرکت و تدوین این مصالح تحت عنوان وظایف عمومی مدیران تأکید گردیده است و مقرراتی را بصورت مدون در این نظام‌های حقوقی تنظیم نموده اند. در این پژوهش پس از تأکید بر اینکه مدیران موظفند در اداره امور تجاری مصلحت شرکت و سهامداران را رعایت نمایند به این سوال پاسخ داده شده است که در اتخاذ تصمیمات و انتخاب‌ها توسط مدیران، منطق تجاری خوب این است که مدیران نه تنها به منافع سهامداران، بلکه به سایر عواملی که بر موفقیت شرکت تأثیر می‌گذارند نیز توجه نمایند. شرکت‌ها اگر به اهداف اجتماعی خود حرمت نگمارند آلودگی محیط، فقر و بیماری تبعیض و نابسامانی محیطشان را فراه خواهند. بدین منظور ماده ۱۷۲ قانون شرکت‌ها تجاری انگلیس مصوب ۲۰۰۶ مدیران را ملزم می‌کند که در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های خود و در تعیین خط‌مشی‌ها و استراتژی‌ها، فهرستی غیر جامع از عوامل، از جمله علائق کارکنان و چگونگی تأثیر اعمال و رفتار شرکت بر مشتریان، تأمین‌کنندگان، جامعه و محیط‌زیست و همچنین شرکت را در نظر بگیرند. این عوامل به گونه‌ای طراحی شده‌اند که اطمینان حاصل شود که در ارتقای موفقیت شرکت، پیامدهای گسترده‌تری از تصمیمات توسط مدیران در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین بموجب ماده ۱۷۲ قانون شرکت‌ها ۲۰۰۶ مدیران ملزم هستند که طیف وسیعی از عوامل را در تصمیم‌گیری در نظر بگیرند. علی‌رغم چالش‌های موجود در اجرای این ماده، این پتانسیل را دارد که منجر به تخصیص برابر و متوازن مزایا و خطرات بین ذینفعان شود. در نهایت، این عوامل می‌توانند به توسعه اعتبار و اعتماد در بین ذینفعان کمک کنند، که منجر به شهرت بهتر برای شرکت و به طور بالقوه افزایش ارزش سهام شرکت می‌شود. شایان ذکر است در حقوق انگلیس این وظیفه دارای ضمانت اجرای ضعیفی است و علی‌رغم اهمیت این وظیفه و تکلیف مدیران ضمانت اجرای مستحکمی در صورت تخلف و عدم رعایت مصالح و منافع اشخاص ذینفع تبیین نگردیده و همین ضعف منجر به عدم کارایی لازم این ماده گردیده است.

ضمناً ارتباط رعایت منافع و مصلحت اشخاص ذینفع با فرهنگ یک شرکت غیر قابل انکار است. فرهنگ سازمانی سالم داری با ارزش، منبع مزیت رقابتی و برای ایجاد و حفاظت از ارزش بلندمدت حیاتی و در نهایت نیز منجر به بهبود عملکرد و سود بیشتر خواهد شد. تأکید بر فرهنگ یک شرکت در مفهوم "کسب و کار هدفمند" منعکس می‌شود و منجر می‌گردد که سهامداران و سرمایه‌گذاران بیشتر خواستار سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که علاقه فزاینده‌ای به رعایت اخلاقیات دارند.

لذا جهت ایجاد و نهادینه کردن و رفع چالش‌های این مهم در نظام حقوقی ایران پیشنهاد می‌گردد:

^{۱۳۸} - شفافیت یک اصل است که به عنوان یکی از عناصر و مولفه‌های حکمرانی مطلوب شناخته می‌شود (سید قاسم زمانی، محمد شمسایی و سید علی حسینی آزاد "جایگاه اصل شفافیت در حقوق بین‌الملل اقتصادی" فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۴، ۱ (۱۴۰۳)، ۷۷).

۱- بدو شایسته است مصالح و منافی که باید توسط مدیران در اداره شرکت رعایت گردد در بخش شش قانون تجارت (مواد ۱۰۷ تا ۱۴۳) مرقوم گردند و شرکت‌ها، مدیران، سهامداران و سایر اشخاص ثالث را از مراجعه به قوانین پراکنده دیگر بی‌نیاز نمایند. این رویکرد یک استاندارد جهانی از وظایف و مصالح را در سراسر ایران ایجاد می‌کند و منجر به افزایش قوام در صدور آراء در برخورد با وظایف مدیران می‌گردد. قضات همچنان می‌توانند قانون را هنگام اعمال آن در پرونده تفسیر کنند، اما اگر همه مدیران مشمول وظایف یکسان باشند، منجر به صدور آرای مشابه خواهد گردید، در غیر اینصورت این پیچیدگی در رفع خلاء های قانونی و مراجعه به مراجع متعدد نه تنها موجب سردرگمی و طولانی گردیدن روند رسیدگی به اختلافات در مراجع قضایی می‌گردد بلکه تشتت آراء را نیز در پی خواهد داشت. علاوه بر این مدیران باید نسبت به لزوم مصلحت سنجی در اداره امور شرکت و وظایف خویش آگاه باشند. چراکه اگر درک درستی از بایدها و نبایدها و وظایف خویش نداشته باشند شاهد رفتارهای متفاوتی از مدیران خواهیم بود. لذا مدون نمودن این مصالح منجر به این می‌شود که همه مدیران در هر شرکت دارای پارامترهای یکسانی از مسئولیت در سراسر حوزه قضایی باشند.

۲- همانند حقوق انگلیس مدیران شرکت‌ها باید علاوه بر مصالح و منافع شرکت و سهامداران، مصالح و منافع سایر اشخاص ذینفع همانند کارمندان، مشتریان، جامعه و محیط زیست را نیز مورد توجه قرار دهند و خلاء و ضعف قانون انگلیس در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت منافع اشخاص ذینفع را برطرف نموده و ضمانت اجرای مناسبی برای آن در نظر گیرد.

۳- در قانون تجارت ایران نیز باید به ایجاد و نهادینه کردن فرهنگ، ارزش‌ها و اخلاق در شرکت تاکید گردد. این امر به جلوگیری از رفتار نادرست، اقدامات غیراخلاقی و حمایت از موفقیت بلندمدت شرکت کمک می‌کند. تاکید بر رعایت منافع اشخاص ذینفع بر نهادینه کردن این فرهنگ شرکتی که در نهایت منجر به بهبود شهرت کسب و کار شرکت و افزایش محیط رقابتی و در نهایت موفقیت شرکت می‌گردد.

منابع

الف) فارسی

۱. آزاد، ناصر؛ علی اکبر شهری مجارشین و علی میرطاهری. «منافع احساسی، اجتماعی و عملکردی در حوزه خدمات نوین شرکت‌های صنعتی»، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۱، ۴(۱۳۹۷)، ۴۸-۵۹.
۲. اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
۳. آقامحمدی، مهرداد و قنبر محمدی الیاسی. «چرایی پایبندی عده‌ای از کارآفرینان به اخلاق کسب‌وکار گزارش پژوهشی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد کلاسیک (گلیزری)»، توسعه کارآفرینی، ۱۲، ۳(۱۳۹۸)، ۳۸۱-۴۰۰.
۴. پاسبان، محمدرضا و رسول فرهنگی. «مطالعه تطبیقی مدیران مستقل در حقوق شرکت‌های آمریکا و ایران». فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ۱۰۲ (۱۴۰۱): ۲۰۵-۲۲۶.
۵. پاسبان، محمد رضا و جواد نیک‌نژاد. «جایگاه حقوقی مدیران در شرکت‌های سهامی». تحقیقات حقوقی بین المللی ۴، ۱۴(۱۳۹۰): ۹-۴۰.
۶. تفرشی، محمد عیسی، حبیب رضانی آکردی و حمیدرضا عباسی منش. «ارتقای موفقیت شرکت؛ وظیفه ای برای مدیران، مطالعه در حقوق انگلیس و ایران»، پژوهش های حقوق تطبیقی ۱۹، ۴(۱۳۹۴)، ۱۲۳-۱۴۸.
۷. حسنی، حسن. حقوق تجارت. جلد دوم، چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
۸. حسینی، پیمان. «مفهوم مدیر عملی و مقایسه‌ی مسئولیت او با مدیر قانونی در شرکت‌های تجاری (مطالعه‌ی تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه)». دوفصلنامه حقوق تطبیقی ۲، ۱(۱۳۹۵): ۱۴۰-۱۶۰.

۹. جعفری، امین. «وضعیت نظام حاکمیت شرکتی در حقوق ایران و ضرورت بازنگری لایحه قانون تجارت جدید»، مجله پژوهش های حقوقی، ۲۶(۱۳۹۳) ۱۹۷-۲۰۴.
۱۰. رشیدی، حسن و زین العابدین رحمانی. «برند و تأثیر آن بر وفاداری مشتری»، مجله اقتصادی، ۹ و ۱۰(۱۳۹۲)، ۶۵-۸۰.
۱۱. زمانی، سید قاسم؛ محمد شمسانی و سید علی حسینی آزاد. «جایگاه اصل شفافیت در حقوق بین الملل اقتصادی». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۴، ۱(۱۴۰۳)، ۷۵-۹۶.
۱۲. صادقیان نُدوشن، مهرداد. «اعمال تئوری ذینفعان بر ساختار شرکتی شرکت های بیمه و بانک»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۴.
۱۳. فیضی چکاب، غلام نبی و تقی اسدی. «مفهوم حقوقی مصرف کننده و تأمین کننده کالا و خدمات در حقوق ایران و مقررات اروپایی». دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۴، ۱(۱۳۹۴)، ۶۸-۷۸.
۱۴. وبلاگ دانشگاه علامه طباطبائی در زمینه رشته مدیریت. «مسئولیت اجتماعی مدیران». نوشته شده در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۶، <http://allametabatabaee.blogfa.com/post/6>
۱۵. منصور پور اسفند آبادی، مریم. «حاکمیت شرکتی و نقش آن در بهبود کارایی و اثر بخشی شرکت ها»، فصلنامه علمی نگرش های نوین بازرگانی، ۱، ۶(۱۳۹۹)، ۱۱۹-۱۳۱.
۱۶. مهدیان، امیرحسین، اکبر فلاح، و علی فقیهی. «بررسی فقهی و وکالتی بودن جایگاه مدیران در شرکت های سهامی خاص (قانون تجارت ایران)». فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۳، شماره ویژه (ویژه نامه جستار های نوین فقه و حقوق) (۱۴۰۰): ۲۶۳-۲۸۱. doi: 10.22034/ejs.2022.332351.1184
۱۷. نظری، رامین و سید ابراهیم موسوی. «حقوق طلبکاران بر عهده ورشکسته». فصلنامه بین المللی قانون بار، ۵، ۱۷(۱۴۰۰): ۹۷۵-۱۰۰۰.
۱۸. نوروزی، محمد. «تأمیلی بر رابطه شرکتهای تجاری و ذینفعان آن ها»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۱، ۸۲(۱۳۹۷)، ۳۳۳-۳۶۳.
۱۹. هاشمی، سید احمد و مهرداد همراهی. «مسئولیت پذیری اجتماعی». مقاله ارائه شده در سومین کنفرانس بین المللی پژوهش ها نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ترکیه، (استانبول)، ۲۵ اسفند ۱۳۹۵.
۲۰. هاشمیان، فخرالسادات، عباس عباسپور، حمید رحیمیان، علی دلاور و سعید غیائی. «شناسایی عوامل مؤثر بر بهبود شایستگی مدیران». فرایند مدیریت توسعه ۳۰، ۳(۱۳۹۶): ۱۶۱-۱۸۴.
۲۱. یزدانیان، علیرضا. «قلمرو فقه در حقوق موضوعه ایران». پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ، ۲(۱۳۸۹)، ۷۷-۹۱.

ب) انگلیسی

22. Addy QC, Catherine; Rebecca Page; Foskett, Rosanna; Rowena Page (08 Apr 2020). Wrongful Trading Suspension: Does it create a false sense of security?, Maitland Chambers, <https://www.maitlandchambers.com/images/uploads/pdfs/Wrongful-trading-suspension.pdf>
23. A. HILL, CLAIRE. "MARSHALLING REPUTATION TO MINIMIZE PROBLEMATIC BUSINESS CONDUCT". BOSTON UNIVERSITY LAW REVIEW 99, 3(2019): 1193-1228. <https://www.bu.edu/bulawreview/files/2019/06/HILL.pdf>
24. Alcock, Alistair. "An accidental change to directors' duties?". Company Lawyer 30 (2009): 1. accessed Feb 25. <https://salford-repository.worktribe.com/output/1463974/an-accidental-change-to-directors-duties>.
25. Banda, Kadidja. "The Enhancement of Corporate Governance in Zambia through Company Law Reform". Bachelor of Laws (LLB), University of Zambia, 2013.
26. Bonnafous-Boucher, Maria & Dahl Rendtorff, Jacob. "Stakeholder Theory A Model for Strategic Management", Cham: Springer Science+Business Media. Springer Briefs in Ethics, (2016). DOI:10.1007/978-3-319-44356-0_2. https://www.researchgate.net/publication/310512971_Stakeholder_Theory_in_Strategic_Management
27. Cabrelli, David. "REFORM OF THE LAW OF DIRECTORS' DUTIES IN UK COMPANY LAW". Lecturer in Commercial Law ,PRESENTATION FOR UNIVERSITÀ BOCCONI, The Edinburgh Law School, 2008, 1-57. <https://www.research.ed.ac.uk/en/publications/the-reform-of-the-law-of-directors-duties-in-uk-company-law>
28. CERIONI, LUCA. "THE SUCCESS OF THE COMPANY IN S. 172(1) OF THE UK COMPANIES ACT 2006: TOWARDS AN 'ENLIGHTENED DIRECTORS' PRIMACY'?". Original Law Review 40, 1(2008):

1-31.

- https://www.researchgate.net/publication/49400339_The_success_of_the_company_in_s_1721_of_the_UK_companies_act_2006_Towards_an_'enlightened_directors'_primacy
29. Dawes, Edward. "Directors' Duties: Guidance From GC100", October 29, 2018, Lexology (last seen at 2024/03/28). <https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=020f5028-42da-4465-a670-0fa3a1cd578b>
 30. French, Derek. Mayson, French & Ryan on Company Law. 37th edition. Oxford: Oxford University Press, 2021.
 31. GC100, "GUIDANCE ON DIRECTORS' DUTIES SECTION 172 AND STAKEHOLDER CONSIDERATIONS" OCTOBER 2018, accessed 2024/7/17. <https://www.fromcounsel.com/static/GC100-Guidance-on-s172-and-stakeholder-considerations.pdf>
 32. Grier, Nicholas. "Enlightened shareholder value: did directors deliver?". *Juridical Review* 2014, 2(2014): 1-16. https://rke.abertay.ac.uk/ws/portalfiles/portal/15514770/Grier_EnlightenedShareholder_Accepted_2014.pdf
 33. GURREA-MARTINEZ, Aurelio. "Towards an optimal model of directors' duties in the zone of insolvency: An economic and comparative approach". *Journal of Corporate Law Studies* 21, 2(2021): 365-395. https://ink.library.smu.edu.sg/cgi/viewcontent.cgi?article=5600&context=sol_research
 34. HOLME, Richard & WATTS, Philp. *Corporate Social Responsibility: Making good business sense*, Conches-Geneva, Switzerland: World Business Council for Sustainable Development, 2000.
 35. J. Loewenstein, Mark & Geyer, Jay. "Shareholder Primacy and the Moral Obligations of Directors". *FORDHAM JOURNAL OF CORPORATE & FINANCIAL LAW* 26, 1(2021): 105-146. <https://ir.lawnet.fordham.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1493&context=jcfl>
 36. J. Rhee, Robert. "A Legal Theory of Shareholder Primacy". *University of Florida Levin College of Law* 102, (2017):1-58. [rhee@law.ufl.edu, https://scholarship.law.ufl.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=working](https://scholarship.law.ufl.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=working)
 37. Karapetian, Arpi. "The Impact of Emerging Preventive Restructuring Mechanisms on Directors' Duties to Creditors in the Event of (Pre)Insolvency in the UK and the Netherlands". *European Journal of Comparative Law and Governance* 9, 2(2022): 187-209. https://brill.com/view/journals/ejcl/9/2/article-p187_004.xml
 38. Keay, Andrew. "The Duty to Promote the Success of the Company: Is it Fit for Purpose?". *University of Leeds School of Law, Centre for Business Law and Practice Working Paper*, August 20, 2010, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1662411> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1662411>, (22 Aug 2010).
 39. Kos, Agnieszka & Bogna Gudowska. "LEGAL AND ECONOMIC ASPECTS OF CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY". *International Journal of Legal Studies* 6, 2(2019): 459-476. <https://ijols.com/resources/html/article/details?id=197250&language=en>
 40. Lekara Bayo, Princewill & Ebikebena Redwell-Ernotongha. "ETHICAL COMPLIANCE AND CORPORATE REPUTATION: A THEORETICAL REVIEW". *International Journal of Research in Education and Sustainable Development* 1, 10(2021): 90-108. https://www.researchgate.net/publication/355875412_ETHICAL_COMPLIANCE_AND_CORPORATE_REPUTATION_A_THEORETICAL_REVIEW
 41. Lord Evans of Weardale "Final report of the Standards Matter 2 review, Upholding Standards in Public Life, Committee on Standards in Public Life, London, 2021.1-102. https://assets.publishing.service.gov.uk/media/617c02fae90e07198334652d/Upholding_Standards_in_Public_Life_-_Web_Accessible.pdf
 42. Lowe, Simon. "As the UK's Corporate Governance Code (the Code) approaches an inflection point in its evolution, this year's research reveals some interesting findings". *Corporate Governance Review*(2017): 1-64. <https://www.grantthornton.co.uk/globalassets/1.-member-firms/united-kingdom/pdf/publication/corporate-governance-review-2017.pdf>
 43. Lowry, John. "THE DUTY OF LOYALTY OF COMPANY DIRECTORS: BRIDGING THE ACCOUNTABILITY GAP THROUGH EFFICIENT DISCLOSURE". *the Cambridge Law Journal* 68, 3(2009):607-622. <https://discovery.ucl.ac.uk/id/eprint/73103/1/download7.pdf>
 44. Marshall, Shelley & Ian Ramsay. "Stakeholders & Director's Duties: Law, Theory & Evidence". *UNSW Law Journal* 35, 1(2012): 291-316. https://law.unimelb.edu.au/_data/assets/pdf_file/0010/1709605/38-Stakeholdersanddirectorsduties-lawtheoryandevidenceUNSWLJ20122.pdf
 45. Miah, Md. Suhel, Critically Examine the Seven General Duties of the Directors Under Company Act 2006 (November 10, 2014). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2602321> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2602321> (5 May 2015).
 46. Michaelmas Term. *BTI 2014 LLC (Appellant) v Sequana SA and others (Respondents)*. 2022: 1-159. <https://www.supremecourt.uk/cases/docs/uksc-2019-0046-judgment.pdf>
 47. M. Palladino, Lenore. "Ending Shareholder Primacy in Corporate Governance". February 8, 2019, Roosevelt Institute Working Paper, (FEBRUARY 13, 2019):1-35. https://rooseveltinstitute.org/wpcontent/uploads/2020/07/RI_EndingShareholderPrimacy_workingpaper_201902.pdf

48. Mukwiri, Jonathan. "Directors' Duties in Takeover Bids and English Company Law". *International Company and Commercial Law Review* 19, 9(2008): 281-289. <https://ssrn.com/abstract=2083719>
49. Mukwiri, Jonathan. "Myth of Shareholder Primacy in English Law". *European Business Law Review* 24, 2(2013): 217 – 241.
50. Muswaka, Linda. "Shielding Directors against Liability Imputations: The Business Judgment Rule and Good Corporate Governance, SPECJU 2, The Southern African Legal Information Institute, 2013, 25-40.
51. Nanavati, Heer. "A Study of Section 172 (1) of the Companies Act 2006: Evaluating the Factors to Promote Success of the Company", May 26, 2023: 1-19. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4520212> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4520212> (2 Aug 2023) https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=4520212
52. OECD, "G20/OECD Principles of Corporate Governance", OECD Publishing, Paris, 2015. <https://www.oecd.org/daf/ca/Corporate-Governance-Principles-ENG.pdf>
53. OECD, "OECD Due Diligence Guidance for Responsible Business Conduct", 2018. <https://www.oecd.org/en/topics/due-diligence-guidance-for-responsible-business-conduct.html>
54. Quinn, John. "The Corporate Objective: Reinterpreting Directors' Duties", PhD School of Law and Government, Dublin City University, 2015.
55. Rationalised (2023-24), Social Responsibilities of Business and Business Ethics, chapter 6, Business Environment (DDCM 102), University of Kerala, <https://ncert.nic.in/textbook/pdf/kebs106.pdf>
56. Sundaresh, Gautam, "In Whose Interest The Journal of Corporation Lawrests Should a Company be Run? Fiduciary Duties of Directors During Corporate Failure in India: Looking to the West for Answers", 8 MICH. BUS. & ENTREPRENEURIAL L. REV. 291, 8, 2(2019), 291-352. <https://repository.law.umich.edu/mbelr/vol8/iss2/4/>
57. Tsagas, Georgina. "Section 172 of the Companies Act 2006: Desperate Times Call for Soft Law Measures", July 1, 2017, Draft Paper for contribution: Tsagas, G, 2017, 'Section 172 of the Companies Act 2006: Desperate Times Call for Soft Law Measures' in Nina Boerger and Charlotte Villiers (eds.) *Shaping the Corporate Landscape* Hart Publications, Forthcoming, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2996090> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2996090>, https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2996090
58. *Shaping the Corporate Landscape: Towards Corporate Reform and Enterprise Diversity*. (2018):131-150. https://research.information.bris.ac.uk/ws/portalfiles/portal/134298690/09_Chapter_7_Tsagas.PURE.pdf
59. "Corporate Culture and the Role of Boards", UK Financial Reporting Council, Harvard Law School Forum on Corporate Governance, Posted by UK Financial Reporting Council, on Saturday, August 13, 2016. <https://corpgov.law.harvard.edu/2016/08/13/corporate-culture-and-the-role-of-boards/>
60. Wang, Ziyi, (2023). "The role of independent directors in ensuring good corporate governance", *Science of Law Journal*, Clausius Scientific Press, Canada 2, 11(2023).
61. WILLIAMS, RICHARD. "ENLIGHTENED SHAREHOLDER VALUE IN UK COMPANY LAW". *UNSW Law Journal* 35, 1(2012): 360-377. <https://www.unswlawjournal.unsw.edu.au/wp-content/uploads/2017/09/35-1-2.pdf>
62. Zhao, Jingchen. *Corporate Social Responsibility in Contemporary China*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2014. [https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=ThOgAgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PR1&dq=J.+Zhao,+Corporate+Social+Responsibility+in+Contemporary+China+\(+Cheltenham:+Edward+Elgar+Publishing,+2014\),+141&ots=Biuh7QNrKc&sig=Z.7mqgZ946qxhkV0BnbtS88Fa1c#v=onepage&q&f=false](https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=ThOgAgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PR1&dq=J.+Zhao,+Corporate+Social+Responsibility+in+Contemporary+China+(+Cheltenham:+Edward+Elgar+Publishing,+2014),+141&ots=Biuh7QNrKc&sig=Z.7mqgZ946qxhkV0BnbtS88Fa1c#v=onepage&q&f=false)
63. Zhao, Yuan. (2010). "Corporate Governance and Board Independence". Doctor of Philosophy thesis, University of Strathclyde, 2010.
64. Zhu, Zining & Ramendran S.P.R, Charle & Soon Wong, Lai. "Impact of Employee Engagement on Company Performance: The Four-Box Business Model as a Moderator: Perspectives from the COVID-19 Pandemic". Atlantis Press, Proceedings of the 10th International Conference on Business,- Accounting, Finance and Economics (BAFE 2022), Advances in Economics, Business and Management Research (2023):190-204. accessed 4 February 2023. DOI 10.2991/978-2-494069-99-2_17. <https://www.atlantis-press.com/proceedings/bafe-22/125984241>

cases

65. *Aberdeen Railway Co v Blaikie Brothers* (1854) 1 Macq 461.
66. *Brady v Brady* (1987) 3 BCC 535 (CA)
67. *Charterbridge Corp v Lloyds Bank Ltd* [1970] Ch. 62.
68. *Dodge v Ford Motors co*, 170 N.W 668, Mich 1919
69. *Fairford Water Ski Club v Cohoon*. Neutral Citation Number: [2021] EWCA Civ 143.
70. *Gaiman v National Association for Mental Health* [1971] Ch 317
71. *Greenhalgh v Arderne Cinemas* [1951] Ch 286, 291 (Evershed MR)
72. *Hampson v Price's Patent Candle Co*

73. Hutton v West Cork Railway Company (1883) LR 23 Ch D 654.
74. Lonrho Ltd v Shell Petroleum Co Ltd (No 1) [1980] 1 WLR
75. Mercia Safetywear Ltd (in liq) v Dodd [1988] BCLC 250, CA
76. Re Smith and Fawcett Ltd. [1942] Ch 304.
77. Salomon v Salomon & Co Ltd [1897] AC 22.
78. Scottish Co-operative Wholesale Society Ltd v Meyer
79. The Financial Conduct Authority v Arch Insurance (UK) Ltd & others
80. Walker v Wimborne (1976) 137 CLR 1

A review of Article 172 of the English Companies Act 2006 and the feasibility of its application in Iranian law.

Abstract:

The need to comply with the expediency of Directors in the management of company affairs is one of the important topics and worthy of attention in different legal systems, which has not been thoroughly and comprehensively examined in Iran's legal system. One of the important challenges in this regard is the scope of compliance of these materials by Directors which in this research is investigated in a comparative way and by relying on the analytical descriptive method in English law. Finally, it was concluded that; Directors of commercial companies must act in a way that they think will promote the success of the company in good faith for the benefit of all its members, and in order to do this in the Directing of the company, in addition to respecting the interests of the shareholders and the company itself, they must also respect the interests of other third parties that including employees, customers, suppliers, creditors, environment and society should also be taken into consideration. Compliance with these matters helps to promote social, environmental and governance goals and has a direct relationship with the corporate culture, which will ultimately lead to the promotion of the company's success. Therefore, a detailed investigation and the necessity of drafting and establishing comprehensive laws related to the necessity of complying with the expediency of managers in the management of company affairs and the detailed explanation of the scope and examples of this importance and the allocation of an independent title for it in the commercial law are strongly felt.

Keywords: expediency, companies Directors, interested parties, corporate culture, English law, Iranian law.